

## تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر ارتقای احترام به حقوق بشر توسط دولت‌ها

احمدرضا حبیبی اردکانی<sup>۱</sup>، مسعود همت<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۰۷.۱۰.۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۰۷.۰۲.۱۳۹۷

### چکیده

با تأسیس شورای حقوق بشر، مکانیسم‌های جدیدی به منظور افزایش احترام به حقوق بشر در درون شورا شکل گرفت. یکی از این مکانیسم‌ها، آیین «ارزیابی ادواری جهانی» موسوم به یو. پی. آر است که وضعیت حقوق بشر همه کشورها را در یک بازه زمانی ۴ تا ۴٫۵ ساله بررسی می‌کند. سازوکار مزبور، یک چارچوب نظارتی و ارتقایی مبتنی بر تعامل، گفتگو و همکاری کشورها بوده که هدف از آن، تقویت احترام به حقوق بشر در سراسر دنیاست. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی، به بررسی تأثیر سازوکار ارزیابی ادواری جهانی شورای حقوق بشر سازمان ملل بر تقویت مسأله حقوق بشر در بین دولت‌ها می‌پردازد و به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیین ارزیابی ادواری جهانی شورای حقوق بشر، چه تأثیری بر مسائل حقوق بشری دولت‌ها داشته است؟ و این فرضیه را مطرح می‌کند که مکانیسم ارزیابی ادواری جهانی شورای حقوق بشر، افزایش احترام به حقوق بشر توسط دولت‌ها را به دنبال داشته است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ویژگی‌های منحصر به فرد سازوکار ارزیابی ادواری جهانی که در سایر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل وجود ندارد؛ از جمله افزایش همکاری دولت‌ها و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، ارزیابی ابعاد مختلف حقوق بشری، افزایش تعاملات بین‌المللی، برابری کشورها در بررسی‌های حقوق بشری و ارزیابی حقوق بشری مبتنی بر همکاری و تعامل، توانسته است پاسخگویی دولت‌ها در قبال مسائل حقوق بشری را به همراه داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** حقوق بشر، شورای حقوق بشر، ویژگی‌ها، آیین ارزیابی ادواری جهانی، دولت‌ها

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا

۲. (نویسنده مسئول)، استادیار هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا ایران [mhemmat@iaush.com](mailto:mhemmat@iaush.com)

## مقدمه

موضوع حقوق بشر و توجه به کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها، یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مورد توجه حقوق بین‌الملل در جهان امروز است. اعتقاد به وجود حقوق اولیه برای همه انسان‌ها صرف‌نظر از نژاد، زبان، رنگ، جنسیت و مواردی از این دست، امروزه حد و مرز ملی را درنوردیده و به‌صورت قواعد فراگیر جهانی جلوه‌گر شده است و حقوق بشر در کنار توسعه اقتصادی و امنیت، محورهای اصلی توسعه‌یافتگی کشورها به شمار می‌روند. در جهان امروز دولت‌هایی در صحنه بین‌المللی نفوذ بیشتری دارند که به لحاظ موازین حقوق بشری، کارنامه درخشانی از خود ارائه دهند. پس از جنگ جهانی دوم، نیاز به حقوق بشر مدون، بیش از پیش احساس شد و بشریت عواقب کمبود قوانین حقوق بشری را به‌خوبی احساس نمود. اکنون دولت‌ها در حفظ، حمایت و یافتن حقوق بشر، نقش اصلی را ایفا می‌کنند و حقوق بشر موجب تقویت بنیان‌های نظری جهانی شده است. منشور ملل متحد، سازوکارها و نهادهایی را در راستای پایان بخشیدن به فجایع ضد بشری و در راستای حفظ، حمایت، ترویج و ارتقای حقوق بشر ایجاد نمود که یکی از آنها آیین ارزیابی ادواری جهانی شورای حقوق بشر سازمان ملل است.

## کمیسیون حقوق بشر

موضوع حمایت جدی از حقوق بشر، از زمانی آغاز شد که حقوق بشر به‌تدریج پا به عرصه مجامع جهانی و بین‌المللی گذاشت. در سال ۱۹۱۸، وظایف دولت‌ها در برابر مردم و احترام به حقوق افراد در داخل کشورها مورد توجه قرار گرفت و جامعه ملل برای نخستین بار اقدامات محدودی در ارتباط با حقوق اقلیت‌ها، حق کار و حقوق افراد در سرزمین‌های تحت قیمومیت انجام داد (شایگان، ۱۶:۱۳۸۲).

با وقوع جنگ جهانی دوم و نقض فاحش حقوق انسان‌ها در خلال جنگ مزبور، اهمیت احترام به حقوق بشر و حمایت از کرامت انسانی، در نقطه مرکزی توجه مؤسسان

### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۱۷۱

سازمان ملل قرارگرفت؛ به طوری که ماده ۱ منشور ملل متحد مقرر نمود که پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، فارغ از نژاد، جنسیت، زبان و یا مذهب، از اهداف اساسی ملل متحد به‌شمار رفته و حقوق بشر به همه افراد بشر بدون هیچ تفاوتی تعلق دارد (Ayton, 1995:25). مواد ۵۵، ۵۶ و ۷۶ منشور، به‌طور مبسوط به موضوع حقوق بشر و تعهدات کشورها مبنی بر احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی پرداخته‌اند. تاکید مضاعف منشور ملل متحد بر ارتقا و حمایت از حقوق بشر و ضرورت ساماندهی و مدیریت مباحث حقوق بشری در یک نهاد تخصصی بین‌المللی، موجب شد تا اعضای سازمان ملل، بلافاصله پس از تشکیل سازمان ملل، طرح ایجاد سازوکاری مناسب برای اجرایی کردن اهداف حقوق بشری منشور را در دستور کار قرار داده و کمیسیونی را با عنوان کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۴۶ تأسیس نمایند (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۷: ۷۱).

فعالیت‌های کمیسیون حقوق بشر را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود: سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۶، که کمیسیون به تدوین استانداردهای حقوق بشر در قالب کنوانسیون‌ها می‌پرداخت؛ مانند: کنوانسیون‌های حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی. در دوره دوم از ۱۹۶۷، کمیسیون به بررسی نقض حقوق بشر در کشورهای جهان می‌پرداخت که برای انجام این کار، اقدام به ایجاد گزارش‌های موضوعی و نیز گروه‌های کاری می‌نمود. در دوره سوم از ۱۹۹۰، کمیسیون بر ارائه خدمات مشاوره‌ای و فنی به کشورهای جهان در مسائل مربوط به حقوق بشر و ارتقای حقوق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین، حق توسعه و برخورداری از استانداردهای اولیه زندگی تاکید می‌نمود (تقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۰) و در کنار این اقدامات مثبت، دارای ضعف‌هایی هم بود که موجب طرح انتقادات شدیدی بر ضد آن گردید.

## شورای حقوق بشر

چنانکه عنوان شد، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، به مدت شصت سال به عنوان مرکز اصلی فعالیت‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد فعالیت نمود که علی‌رغم فعالیت‌های مثبت بسیار، انتقادات فراوانی از جمله، اختلاف سیاسی و ایدئولوژیک، عدم تخصص، مسأله ضعف بودجه، محدودیت حوزه عملیاتی و زمان برگزاری نشست‌ها نیز بر عملکرد آن وارد بود (مهرپور، ۱۳۸۷: ۱۱۱)؛ تا این که در پرتو فرایند اصلاح ساختار سازمان ملل متحد، و به دنبال طرح پیشنهاد تشکیل شورای حقوق بشر به جای کمیسیون حقوق بشر، به عنوان نهادی مؤثرتر و کارآمدتر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در تاریخ ۲۴ اسفندماه ۱۵/۱۳۸۴ مارس ۲۰۰۶ تشکیل شورای حقوق بشر را با ۱۷۰ رأی مثبت، ۴ رأی منفی (آمریکا، اسرائیل، جزایر مارشال و پالائو) و ۳ رأی ممتنع (ایران، ونزوئلا و بلاروس) تصویب نمود. با تصویب قطعنامه مذکور، روند عملیاتی شدن تشکیل شورای حقوق بشر نیز آغاز شد. این روند با انتصاب ۴۷ عضو شورا در انتخابات ۱۹ اردیبهشت ۹/۱۳۸۵ می ۲۰۰۶، از سوی مجمع عمومی و اعلام انحلال کمیسیون حقوق بشر در تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۶/۱۳۸۵ ژوئن ۲۰۰۶ از سوی شورای اقتصادی - اجتماعی<sup>۱</sup> تحقق عینی یافت (بهمنی، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مسئول اصلی ارتقای احترام جهانی برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه افراد شناخته می‌شود. شورای حقوق بشر باید کلیه موارد نقض حقوق بشر در کشورها را بررسی و اقدامات لازم را اتخاذ نماید. همچنین، به منظور حرکت در کنار دولت‌ها برای کمک به ارتقای حقوق بشر، به ارائه خدمات مشاورتی و کمک‌های فنی، مبادرت و در اجرای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها، آنها را یاری می‌نماید. علاوه بر آن، وظیفه تهیه گزارش دوره‌ای از وضعیت مسائل حقوق

---

1. ECOSOC.

### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۱۷۳

بشری کشورها به عهده این نهاد گذاشته شده و برای این منظور، سازوکارهای متعددی در نظر گرفته شده است (تاموشات، ۱۳۸۸: ۱۷۸). شورای مذکور باید بر اساس اصول جهان‌شمولی، بی‌طرفی، عینی‌بودن، غیرگزینشی، گفتگو و همکاری سازنده بین‌المللی در راستای تقویت ارتقا و حمایت از همه ابعاد حقوق بشر؛ اعم از مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هدایت شود.

رسیدگی در شورای حقوق بشر بر اساس مکانیزم‌های مختلفی به عمل می‌آید. برخی از این مکانیزم‌ها در چارچوب شورای حقوق بشر به وجود آمده و برخی دیگر به کمیسیون حقوق بشر مربوط می‌شوند که پس از انحلال آن به شورای حقوق بشر منتقل شدند. ویژگی مشترک همه این مکانیزم‌ها در محرمانه بودن پرونده تا قبل از ارجاع به مجمع عمومی سازمان ملل است. یکی از این مکانیزم‌ها، آیین ارزیابی ادواری جهانی است که مبتنی بر تعامل، گفتگو، مشارکت و همکاری بین کشورها بوده و وضعیت حقوق بشر کلیه کشورها را به صورت دوره‌ای و فراگیر بررسی می‌کند. اولین دوره ارزیابی ادواری جهانی، از می ۲۰۰۸ آغاز شد و در ماه اکتبر ۲۰۱۱، متعاقب بررسی وضعیت کلیه کشورها پایان یافت و دومین دوره بررسی آن از سال ۲۰۱۲ شروع شده و تا سال ۲۰۱۶ ادامه داشته است. گزارش‌هایی که در آیین ارزیابی ادواری جهانی بر مبنای آنها بررسی وضعیت مسائل حقوق بشری هر کشور انجام می‌شود، عبارتند از: ۱- اطلاعات ارائه شده از سوی کشور مورد بررسی، که اصطلاحاً «گزارش ملی» خوانده می‌شود؛ ۲- اطلاعات گردآوری شده در گزارش‌های کارشناسان و گروه‌های حقوق بشری مستقل و دیگر نهادهای سازمان ملل، که اصطلاحاً «گزارش رسیدگی ویژه» خوانده می‌شود؛ ۳- اطلاعات سایر طرف‌های ذینفع، شامل سازمان‌های غیردولتی و نهادهای ملی حقوق بشری (Alston&Goodman,2012:501).

رسیدگی به وضعیت حقوق بشر کشورها در آیین ارزیابی ادواری جهانی، در یک گروه کاری که متشکل از ۴۷ عضو شورای حقوق بشر است، صورت می‌گیرد. شورا هر سال سه جلسه دو هفته‌ای تشکیل می‌دهد که در هر جلسه وضعیت ۱۶ کشور و در مجموع ۴۸ کشور را در سال ارزیابی می‌کند. در این جلسات، گفتگوی متقابل میان کشور مورد رسیدگی و سایر کشورهای عضو سازمان ملل، با حضور اعضای کارگروه مربوطه، طی فرصتی حدوداً سه ساعته که تا چهار ساعت نیز قابل تمدید است، صورت می‌گیرد.

در طی این گفتگوها، هر کشور عضو سازمان ملل متحد می‌تواند سؤال یا دیدگاه‌ها و توصیه‌هایش را خطاب به کشور مورد بررسی عرضه نماید و محتوای هر سه گزارش مذکور، مورد بحث و تبادل نظر نمایندگان کشور تحت ارزیابی، کشورهای عضو شورای حقوق بشر و کشورهای ناظر قرار می‌گیرد و کشور تحت بررسی فرصت دارد تا هم اطلاعاتی درباره خود به گروه کاری ارائه دهد و هم به سؤال‌ها و توصیه‌هایی که کشورها در طول و پیش از گفتگوی تعاملی مطرح کرده‌اند، پاسخ دهد. پس از گفتگوهای تعاملی، شورای حقوق بشر مبادرت به تهیه گزارش مربوط به کشور تحت بررسی می‌نماید و این گزارش مهم‌ترین سند ارزیابی ادواری جهانی است (Charlesworth&Larking,2015:106).

با توجه به عملکرد سازوکار ارزیابی ادواری جهانی، ویژگی‌های منحصر به فردی در آن وجود دارد که توانسته است موجب افزایش احترام به حقوق بشر در میان دولت‌ها شود. این ویژگی‌ها در سایر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل، نظیر رویه‌های ویژه و نهادهای معاهده‌ای مشاهده نمی‌شوند (میرعباسی، ۱۳۸۹: ۸۷). در ادامه، به بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری جهانی شورای حقوق بشر که موجب افزایش احترام به مسائل حقوق بشری توسط کشورها شده است، پرداخته می‌شود.

## مشارکت تعاملی کشورها

سازوکار ارزیابی ادواری جهانی براساس همکاری و مشارکت کشورها در یک گفتگوی تعاملی با کشور تحت بررسی شکل گرفته و به‌عنوان تکمیل کننده فعالیت نهادهای معاهده‌ای و نه موازی با آنها عمل خواهد کرد. مطابق با پاراگراف ۳ سند نهادسازی شورای حقوق بشر، سازوکار ارزیابی ادواری جهانی بر سیزده اصل؛ از جمله فراگیری، ارتقایی بودن، مبتنی بودن بر همکاری و گفتگوی تعاملی، رفتار برابر با همه کشورها و بررسی همه‌جانبه مسائل حقوق بشری کشورها تاکید می نماید(سند شماره A/HRC/RES/5/1 شورای حقوق بشر).

به‌موجب این اصول، همه کشورها بدون ترس و نگرانی، وارد فرایند بررسی‌های حقوق بشری شده و خود را در معرض نظارت فراگیر جامعه جهانی قرار می‌دهند و با توجه به استمرار این فرایند، کوشش می‌کنند تا درجهت ارتقای وضعیت حقوق بشر خود گام بردارند. این امر با برگزاری نخستین دوره ارزیابی ادواری جهانی که وضعیت مسائل حقوق بشری در همه کشورهای عضو سازمان ملل را مورد رسیدگی قرار داد، جنبه عملی به‌خود گرفت. درواقع، با این نحوه بررسی در چارچوب سازوکار مزبور، وضعیت حقوق بشر همه کشورهای عضو سازمان ملل، رسیدگی می‌شود (Smith,2010:198)؛ برای مثال، وضعیت حقوق بشر کشورهایی؛ چون: مالزی، برونئی، باهاماس، تونگا و وانواتو که به عضویت هیچ یک از دو میثاق بین‌المللی سیاسی، مدنی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درنیامده‌اند، بررسی می‌شود. این درحالی است که این کشورها تحت نظارت نهادهای ناظر بر معاهدات مزبور قرار نداشته‌اند(Sen,2011:46).

بررسی‌های حقوق بشری در چارچوب «رویه‌های ویژه» نیز تا اندازه زیادی با سازوکار ارزیابی ادواری جهانی متفاوت است؛ زیرا اساساً «رویه‌های ویژه» شامل گزارشگران ویژه، نمایندگان ویژه، کارشناسان مستقل و گروه‌های کاری است که توسط

دبیرکل سازمان ملل و یا شورای حقوق بشر ایجاد می‌شوند و به صورت موردی به بررسی وضعیت حقوق بشر در کشورها یا بررسی موضوع‌های حقوق بشری می‌پردازند. از طریق رویه‌های ویژه، میزان تعهدات کشورها به معاهدات حقوق بشری، ارزیابی شده و گزارش‌های تهیه شده توسط آنها نوعاً به‌عنوان منابع قابل استناد از سوی سایر سازوکارها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (گلشن پژوه، ۱۳۸۸: ۹۲).

از طرفی، به هنگام وقوع نقض‌های فاحش حقوق بشر، این رویه‌های ویژه هستند که به کمک شورای حقوق بشر آمده و در گزارش‌های خود به موارد نقض‌های حقوق بشری می‌پردازند. بنابراین، ماموریت این رویه‌ها نوعاً موقت بوده و با رفع موضوع مورد بحث، خاتمه پیدا می‌کند. این درحالی است که بررسی‌های حقوق بشری در چارچوب ارزیابی ادواری جهانی، دوره‌ای و مستمر است. البته، نهادهای معاهده‌ای و رویه‌های ویژه می‌توانند به کمک سازوکار ارزیابی ادواری جهانی آمده، به تقویت آن بپردازند. بدیهی است کارکرد ارزیابی ادواری جهانی، تنها زمانی قرین موفقیت خواهد بود که از یافته‌ها و توصیه‌های رویه‌های ویژه و نهادهای معاهده‌ای در فرایند بررسی‌های سازوکار مزبور بهره‌برداری شود و این امر بر مزیت فرایند مزبور خواهد افزود (Alfredsson, 2009: 187-188).

### **افزایش همکاری دولت‌ها**

همکاری کشورها در فرایند ارزیابی ادواری جهانی، اعم از گزارش‌دهی و شرکت در نشست‌ها و حضور در مباحث حقوق بشری سایر کشورها، از ویژگی‌های مثبت این فرایند به حساب می‌آید. این درحالی است که اساساً روند همکاری کشورها و گزارش‌دهی آنها در سازوکارهای نظارتی و معاهده‌ای، همواره با مشکلاتی مواجه بوده است؛ زیرا با آنکه تهیه گزارش‌های حقوق بشری و ارسال آن برای نهادهای



## تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۱۷۷

معاهده‌ای از وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود؛ اما کشورها نوعاً در ارائه گزارش‌های دوره‌ای به نهادهای معاهده‌ای، با تاخیر عمل کرده و این تأخیرها (که گاهی چندین سال طول می‌کشد) از بازدهی مناسب گزارش‌های تهیه شده (به دلیل به‌روز نبودن) خواهد کاست (Meghna, 2007: 213). در نهایت این که علی‌رغم صرف وقت و انرژی زیاد در ارائه گزارش‌های دوره‌ای به نهادهای معاهده‌ای، این نوع سیستم گزارش‌دهی نقش بایسته‌ای در افزایش احترام به حقوق بشر ایفا نمی‌کند.

اما سازوکار ارزیابی ادواری جهانی، با اتکا بر تهیه و ارائه سه گزارش توسط کشورها و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، این روند را تغییر داده است. بررسی‌ها از روند اجرای سازوکار ارزیابی ادواری جهانی در دوره چهارساله اول نشان می‌دهد که در طول برگزاری دوازده نشست گروه کاری شورا، تقریباً همه کشورها گزارش‌های ملی خود را در زمان مقرر آماده و به دبیرخانه شورا ارسال نموده‌اند (Alfredsson, po.cit: 121). تهیه بهنگام این گزارش‌ها بیش‌تر از این جهت مهم است که آخرین وضعیت‌های حقوق بشری کشورها را به تصویر کشیده و این امکان را فراهم می‌نماید که قضاوت واقعی‌تری از وضعیت مسائل حقوق بشری کشورها انجام شود.

در همین حال، مشارکت دولت‌ها در این فرایند، مهم‌ترین دستاورد سازوکار ارزیابی ادواری جهانی محسوب می‌شود. براساس آمارهای موجود، در نخستین دوره چهارساله سازوکار ارزیابی ادواری جهانی، بیش از ۹۰۰۰ بار دولت‌ها در مباحث شورا مشارکت نموده و به ایراد سخنرانی و اعلام دیدگاه‌های خود در خصوص وضعیت حقوق بشر سایر دولت‌ها پرداخته‌اند (www.oper-info.org:2014/4/24)؛ یعنی به‌طور متوسط در مباحث و گفتگوهای تعاملی برای بررسی وضعیت حقوق بشر هر کشور، ۴۶ کشور مواضع خود را در خصوص وضعیت حقوق بشر یک کشور اعلام نموده‌اند.

این حجم از مشارکت کشورها نشان می‌دهد که ارزیابی ادواری جهانی، از ظرفیت بالایی در تشویق کشورها برای یک همکاری بین‌المللی به‌منظور جریان سازی حقوق بشری برخوردار است. همچنین، این سازوکار اثبات نمود که شرایط لازم برای تبدیل مفهوم همزیستی به یک مفهوم همکاری، آماده بوده و می‌توان با قراردادن حق انتقاد کردن و تعهد به همکاری در کنار یکدیگر، وضعیت بهتری را برای بررسی‌های حقوق بشری ایجاد نمود. ایجاد چنین وضعیتی در دستگاه حقوق بشری سازمان ملل، درحالی است که در سایر سازوکارها، کشورها غالباً در مواضع حقوق بشری خود رویکردی مقابله‌جویانه را دنبال می‌کنند (Sen, op.cit:6).

### ارزیابی ابعاد مختلف حقوق بشری در توصیه های ارائه شده

اصولی که سازوکار ارزیابی ادواری جهانی بر آن استوار است، همه بر جهانی بودن و فراگیری این سازوکار در بررسی‌های حقوق بشری حکایت دارند. درواقع، در ارزیابی ادواری جهانی، کلیه سازوکارهای نظارتی و حمایتی حقوق بشری سازمان ملل و سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری ملی و غیردولتی و حتی کشورها در یک گفتگوی مشارکتی و جهانی، درگیر مباحث حقوق بشری کشور تحت بررسی هستند (Rothwell, 2011:459). اجرای فرایند ارزیابی ادواری جهانی و بررسی عملکرد حقوق بشری کشورها در دوره اول ارزیابی ادواری جهانی، نشان می‌دهد که ارزیابی ادواری جهانی قادر است همه ابعاد حقوق بشری کشورها را در حضور جامعه جهانی مورد توجه و کنکاش قرار دهد؛ برای مثال، در گزارش ملی تهیه شده تایلند که در دوازدهمین نشست ارزیابی ادواری جهانی (آخرین نشست دوره چهارساله اول) در اکتبر ۲۰۱۱، به گروه کاری شورای حقوق بشر ارائه شد، توجه به همه ابعاد حقوق بشر مبذول شده است. در گزارش مزبور، همان طور که در پاراگراف‌های ۳۸-۲۱ به کوشش‌های این کشور در

### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../ ۱۷۹

حمایت و ارتقای حقوق سیاسی و مدنی اشاره دارد، در پاراگراف‌های ۵۹-۳۹ به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در پاراگراف‌های بعدی به حقوق کودکان، زنان، ناتوانان جسمی و افراد سالمند و اقلیت‌های نژادی پرداخته شده است (Frazier, 2011: 39). همچنین، در توصیه کشورها به فرانسه مشاهده می‌شود که این توصیه‌ها در تمامی ابعاد حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است.

با وجود این، تفاوت آشکاری بین نگرش و توجه کشورهای گروه شمال، با کشورهای جنوب در نوع توصیه‌های حقوق بشری دیده می‌شود؛ برای مثال، در اکثر توصیه‌های ارائه شده توسط کشورهای گروه جنوب؛ نظیر الجزایر، کوبا، ویتنام و ... به کشور روسیه، توصیه‌ها تنها در محدوده حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و متقابلاً در اکثر توصیه‌های ارائه شده توسط کشورهای غربی و گروه شمال؛ نظیر سوئد، کانادا، انگلیس و ... به کشورهای دیگر، فقط حقوق مدنی و سیاسی، آزادی بیان و مطبوعات، و حمایت از مدافعان حقوق بشر به چشم می‌خورد (بابایی مهر، ۲۲: ۱۳۹۰). از نظر محتوایی، مهم‌ترین محورهای طرح شده در توصیه‌ها یا تذکرات کشورها را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

۱. توصیه‌های مربوط به پذیرش، تصویب و اجرای تعهدات ناشی از معاهده‌های بین‌المللی، پروتکل‌های اختیاری آنها و توصیه‌های نهادهای مبتنی بر معاهده: این دسته از توصیه‌ها سهم بزرگی در اظهار نظر کشورها هم به صورت شفاهی و هم در قالب سؤال‌ها و پیشنهادها کتبی ارسال شده برای تروئیکای هر کشور دارند (میرعباسی، ۱۳۹۰: ۹۶).

از پیشنهادها متعلق به این گروه، برای نمونه می‌توان به پیشنهاد کشورهای مختلف برای پذیرش معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و معاهده بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عربستان، پیشنهاد پذیرش پروتکل اختیاری معاهده علیه شکنجه و تصویب معاهده مبارزه با ناپدید شدن اجباری افراد به روسیه، و پیشنهادها

پذیرش پروتکل اختیاری معاهده علیه شکنجه، معاهده حقوق افراد دارای معلولیت به رژیم اشغالگر قدس اشاره نمود.

۲. توصیه‌های مربوط به برنامه‌ها، چارچوب‌های قانونی، اقدامات، رویه‌ها، نهادها و سازوکارهای ملی حقوق بشری: اظهارنظر کشورها درباره جایگاه حقوق بشر در چارچوب‌های قانونی کشور مورد بررسی، رویه‌های قضایی و اجرایی مرتبط و وضعیت کلی سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد مدافع حقوق بشر، در این دسته از توصیه‌ها مطرح می‌شوند (Rothwell, po.cit:251). از مهم‌ترین توصیه‌های متعلق به این گروه، می‌توان به پیشنهاد مورد حمایت قرار دادن روزنامه‌نگاران خارجی به کشور چین، پیشنهاد اصلاح سیستم قضایی بر اساس استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری به روسیه، و پیشنهاد ایجاد یک نهاد ملی حقوق بشری بر اساس اصول پاریس به ژاپن اشاره کرد.

۳. توصیه‌های مربوط به نحوه همکاری‌ها با نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد؛ به‌ویژه گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر و همچنین، رویه‌های کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد: این گروه از توصیه‌ها معمولاً در میان توصیه‌های مطرح شده، از تکرار و فراوانی زیادی برخوردارند و از مهم‌ترین محورهای پیشنهادی به‌شمار می‌روند. این امر به‌خصوص در مواردی پررنگ‌تر می‌شود که کشور مورد بررسی، سابقه همکاری نکردن با یک گزارشگر ویژه خاص و یا تعلل در پاسخگویی به مکاتبات رویه‌های ویژه شورا و یا درخواست‌های دفتر کمیساریا را داشته باشد (بابایی مهر، پیشین: ۳۵). برای نمونه، می‌توان به پیشنهاد ادامه همکاری با کمیساریای عالی حقوق بشر و فراهم نمودن شرایط بازدید برای کمیسر عالی حقوق بشر به چین، پیشنهاد افزایش همکاری با نهادهای حقوق بشری سازمان ملل به کوبا، و پیشنهاد دعوت از همه گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد؛ به‌ویژه گزارشگران شورای حقوق بشر به روسیه اشاره نمود.

۴. توصیه‌های مربوط به نهادهای منطقه‌ای حقوق بشر و اجرای تعهدات ناشی از آنها: این دسته از توصیه‌ها قاعدتاً از سوی کشورهای همسایه یا هم‌منطقه کشور مورد بررسی مطرح می‌شوند. پیشنهاد تعدادی از کشورهای قاره آمریکا برای پیوستن کانادا به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را می‌توان از نمونه توصیه‌های متعلق به این گروه قلمداد کرد. این بخش از توصیه‌ها به دلیل نبود سازوکار منطقه‌ای حقوق بشر در آسیا، معمولاً به کشورهای واقع در این منطقه ارائه نمی‌شود؛ هرچند با تصویب یک نهاد حقوق بشری برای کشورهای گروه آ.سه.آن<sup>۱</sup> (اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا) در اکتبر سال ۲۰۰۹ امکان ورود توصیه‌های مرتبط با این سازوکار به کشورهای تحت پوشش اتحادیه آ.سه.آن، فراهم خواهد بود (Gordon, 2011: 192).

۵. توصیه‌های موردی: گاهی اقدامات کشور مورد بررسی درباره نمونه خاصی از نقض حقوق بشر یا نمونه‌هایی از برخورد قضایی یا خشونت بار با مخالفان سیاسی، روزنامه‌نگاران یا مدافعان حقوق بشر، در اظهارنظرهای کشورهای دیگر منعکس می‌شوند؛ برای مثال، می‌توان به اظهارنظر کشورهای مختلف درباره تبعیض علیه روماها (کولی‌های محلی) در جمهوری چک و اسلواکی، پیشنهاد برای توجه بیشتر به حفظ سنت‌های اقلیت‌های بومی در شیلی، توصیه‌هایی مانند پایان دادن به اشغال همه سرزمین‌هایی که پس از سال ۱۹۶۷ اشغال شده‌اند، پذیرش و اجرای نظر مشورتی دادگاه کیفری بین‌المللی در مورد دیوار حائل، و توقف شهرک سازی‌های رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی و اظهارنظرهای مربوط به حفظ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بومیان کانادا اشاره نمود (سوری، ۱۳۸۹: ۷۱).

---

1. Association of Southeast Asia Nation (ASEAN).

## برابری کشورها در بررسی‌های حقوق بشری

یکی از اصول سازوکار ارزیابی ادواری جهانی، بررسی برابر وضعیت حقوق بشر تمامی کشورها براساس تعهدات حقوق بشری آنهاست. طبق پاراگراف ۱۴ سند نهادسازی شورا، وضعیت حقوق بشر کلیه کشورها در یک دوره چهار ساله<sup>۱</sup> بررسی خواهد شد؛ به طوری مطابق با یک برنامه منظم دوره‌ای می‌توان تعهدات و پایبندی‌های حقوق بشری تمام کشورهای جهان را در هر چهار سال یک بار بررسی و ارزیابی نمود. این بررسی‌ها با یک رفتار برابر و فارغ از برخوردهای گزینشی و براساس مسؤلیت‌پذیری کشورها در مقابل کاستی‌های خود، و بر مبنای اطلاعات قابل اتکا صورت گرفته و با مشارکت همه کشورهای عضو سازمان ملل انجام می‌پذیرد (Sen, op.cit: vii). از طرفی، باید توجه داشت که تعهدات حقوق بشری همه کشورها به صورت برابر در سازوکار ارزیابی ادواری جهانی بررسی می‌شود و از این جهت، هیچ یک از کشورها مستثنا نخواهند بود.

با چنین روندی در سازوکار ارزیابی ادواری جهانی، کشورهایی که به واسطه قدرت و نفوذ خود، حاضر به پاسخگویی در برابر دستگاه حقوق بشری سازمان ملل و سایر سازوکارهای نظارتی حقوق بشری نبودند و در مقابل، همواره وضعیت حقوق بشر دیگران را به چالش می‌کشیدند، باید در مورد وضعیت حقوق بشر خود پاسخگو باشند. بدین ترتیب، همه کشورها ملزم هستند در برابر سایر کشورها به سؤال‌هایی پاسخ دهند که هیچ‌گاه در گذشته حاضر به رویارویی با چنین وضعیتی نبوده‌اند (Ibid:6).

بر این اساس، مکانیسم ارزیابی ادواری جهانی می‌تواند به عنوان یک فرایند ارزیابی جهانی، میزان تعهدات ملی هر یک از کشورهای جهان نسبت به نظام بین‌المللی حقوق بشر را با روش واحد و معیار یکسان بررسی و ارزیابی کند. بدیهی است این روند به جلب اعتماد کشورها نسبت به مشارکت هر چه بیشتر در سازوکار ارزیابی ادواری جهانی کمک

---

۱. این دوره در نشست اصلاحی شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ به چهار سال و نیم افزایش یافته است.

تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۱۸۳

خواهد نمود (Kemileva, 2010: 201). این درحالی است که یکی از دلایل اصلی کشورها برای انحلال کمیسیون حقوق بشر، اعمال روش‌های دوگانه آن در رسیدگی به وضعیت‌های حقوق بشر در کشورهای مختلف بود.

### افزایش تعاملات بین‌المللی

براساس بند E پاراگراف ۵ سند تأسیسی شورای حقوق بشر، سازوکار ارزیابی ادواری جهانی، یک سازوکار مشارکتی و مبتنی بر گفتگوی تعاملی خواهد بود. پاراگراف ۴ اجرایی سند مزبور، عملکرد شورا را مبتنی بر اصول جهانشمولی...، گفتگوی بین‌المللی سازنده و همکاری با هدف ارتقا و حمایت از حقوق بشر عنوان می‌کند. بند H پاراگراف ۵ سند تأسیسی شورا عنوان می‌کند که فعالیت شورا در زمینه حقوق بشر، با یک همکاری نزدیک بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای ملی حقوق بشری و جامعه مدنی صورت می‌پذیرد (خرازی، ۱۳۸۶: ۴۹).

در سند نهادسازی شورا نیز دومین اصلی که درخصوص مکانیسم ارزیابی ادواری جهانی مورد تاکید قرار می‌گیرد، مبتنی بودن این سازوکار بر اطلاعات هدفمند و قابل اتکا و انجام گفتگوی تعاملی است. ظرفیت تعاملی مکانیسم یو. پی. آر. از این جهت مهم است که می‌تواند راه انتقال از فرایند تقابل در عرصه رسیدگی‌های حقوق بشری را به سمت یک فرایند تعامل، هموار نماید (همان: ۶۱).

درواقع، سازوکار یو. پی. آر به کشورها این حق را می‌دهد که از یکدیگر انتقاد کنند و در همان حال، یک تعهد مبتنی بر همکاری را برای انجام اقدامات عملی در جهت ایجاد وضعیت حقوق بشری بهتر در کشور تحت بررسی، مورد توجه قرار دهند. بنابراین، تعاملات بین‌المللی، به‌عنوان یک ویژگی دائمی در سازوکار ارزیابی ادواری جهانی همواره مورد توجه قرار می‌گیرد. از طرفی، تأکید بر ویژگی مبتنی بر تشریک مساعی کشورها و

همکاری و گفتگوی طرفینی بین آنها سبب می‌شود که سیاست‌ها و عملکرد حقوق بشری هر یک از کشورها توسط کشورهای دیگر، در یک فضای همکاری، بررسی و ارزیابی شود (De Alba, 2008:22). بررسی وضعیت حقوق بشر کشورها به نحوی انجام می‌گیرد که کشور تحت بررسی در یک گفتگوی جهانی متقابل، به طور کامل درگیر مباحث حقوق بشری می‌شود. کشورها قادر خواهند بود به وضعیت حقوق بشر کشورهای تحت بررسی انتقادات، راهکارها و توصیه‌های خود را برای رفع مشکلات حقوق بشری آن کشورها ارائه نمایند (Ibid:31).

باید توجه داشت که فراگیر نمودن احترام به حقوق بشر در سایه تقویت تعاملات بین‌المللی انجام خواهد پذیرفت و این از جمله ویژگی‌های آشکار بررسی‌های حقوق بشری در چارچوب ارزیابی ادواری جهانی است. تفاوت این ارزیابی با سایر ارزیابی‌ها، از سوی سازوکارهای نظارتی سازمان ملل، از جمله رویه‌های ویژه، در این است که بررسی مبتنی بر سازوکار ارزیابی ادواری جهانی توسط کشورهای عضو سازمان ملل در قالب گروه کاری شورای حقوق بشر و براساس گزارش‌های مختلف؛ از جمله اظهارات و گزارش‌های کارشناسان حقوق بشر، گزارش رویه‌های ویژه و اطلاعات سازمان‌های غیردولتی انجام می‌شود (گلشن پژوه، ۱۳۸۸:۷۵). این امر به خودی خود افزایش تعاملات بین‌المللی در چارچوب شورای حقوق بشر را به دنبال خواهد داشت. تحقق اهداف ارتقایی و حمایتی ارزیابی ادواری جهانی، مستلزم مشارکت و حضور فعال سایر کشورها در این فرایند است. مشارکت و تعامل کشورها در این رسیدگی‌ها موجب می‌شود که کشورها خود را در برابر جامعه جهانی مسؤول و پاسخگو بدانند. این ظرفیت ضمن افزایش تعاملات بین‌المللی، بستر لازم برای ارتقا و حمایت از حقوق بشر در سطوح داخلی و بین‌المللی را فراهم خواهد نمود.



## افزایش مشارکت سازمان‌های مردم نهاد

### ۱. جایگاه سازمان‌های مردم نهاد

یکی از نکات مهم و قابل توجه در مکانیسم ارزیابی ادواری جهانی، نقش سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و نمایندگان جوامع مدنی است. این سازمان‌ها مطابق بند C پاراگراف ۱۸ قطعنامه ۵/۱ شورای حقوق بشر، می‌توانند بدون امکان اظهارنظر و ورود به مباحث، در جلسات بررسی‌های ادواری حضور یابند. بنابراین، مشارکت سازمان‌های مردم نهاد (به‌ویژه سازمان‌هایی که دارای مقام مشورتی سازمان ملل متحد هستند) در جلسات ارزیابی ادواری حقوق بشری کشورها فزاینده است؛ به طوری که به تدریج به یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظارتی در زمینه حقوق بشر تبدیل می‌شوند (www.ohchr.org:2014/12/30). این سازمان‌ها با ویژگی‌های خاص خود که امکان فعالیت گسترده و منعطف را به آنها می‌بخشد، ضمن حساس نمودن افکار عمومی جهان، به موارد نقض حقوق بشر در گوشه و کنار جهان، با تهیه گزارش‌های سالانه و موردی و حضور فعال و پرشور در سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری؛ از جمله شورای حقوق بشر، بر تصمیمات این سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند. بدیهی است دولت‌های قدرتمند جهان نیز می‌کوشند که از این ظرفیت بزرگ، به نفع خود بهره ببرند (میرعباسی، پیشین: ۸۵).

### ۲. حیطه وظایف سازمان‌های مردم نهاد

#### الف. قلمرو تأثیرگذاری

هرچند نقش سازمان‌های مردم نهاد در سه دهه اخیر، در همه حوزه‌های موضوعی بین‌المللی، روند رو به رشدی داشته است؛ اما در حوزه حقوق بشر، این امر از اواسط دهه ۹۰ و پس از تصویب قطعنامه شماره ۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی، شکل منسجم‌تری به خود گرفته است. پس از تشکیل شورای حقوق بشر و تنظیم و تدوین فرایند بررسی ادواری جهانی، شیوه و حوزه تأثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی در موضوع‌های حقوق

بشری، به یکباره با جهش عمده‌ای روبه‌رو شد. این امر از آنجا سرچشمه می‌گرفت که اغلب تا پیش از آن، سازمان‌های غیردولتی دارای مقام مشورتی عام یا خاص بوده‌اند؛ اما در دوران جدید همه سازمان‌های غیردولتی و نهادهای جامعه مدنی که در حوزه‌ای دارای نظر یا علاقه هستند (بدون توجه به اینکه در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، مقام مشورتی داشته باشند یا خیر) می‌توانند دیدگاه‌های خود را درخصوص موارد ادعایی نقض حقوق بشر در یک کشور، برای دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ارسال نمایند و انتظار درج این نظر را در گزارش نهایی ده صفحه‌ای دفتر کمیساریا داشته باشند (گلشن پژوه، پیشین: ۲۱). این امر سبب شده تا در هنگام تهیه گزارش دوره‌ای یک کشور، طیف وسیعی از گزارش‌های سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد در اختیار دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر قرار گیرد و جامعیت بیشتری بر گزارش‌ها مستولی گردد.

گروه کاری شورای حقوق بشر سازمان ملل تنها سه دوره دوهفته‌ای در طول سال جلسه دارد که در هر دوره، گزارش‌های ۱۶ کشور بررسی می‌شود و در نتیجه، هر سال ۴۸ کشور بررسی‌های دوره‌ای خود را به شورا ارائه داده و شورا آنها را بررسی می‌کند. تمامی دیدگاه‌ها، انتقادات و پیشنهادهای مطرح شده از سوی سایر کشورها و همچنین، نمایندگان سازمان‌های غیردولتی، در جریان بررسی گزارش یک کشور، برای تدوین گزارش نهایی شورا، توسط اعضای سه نفره گردآوری شده و در گزارش نهایی خواهند آمد (Mc Mahan, 2010: 210).

### ب. شیوه تأثیرگذاری

نظرها و دیدگاه‌های سازمان‌های مردم نهاد و سایر جوامع مدنی درخصوص وضعیت حقوق بشر در یک کشور که به آن اشاره شد، از طریق ایمیل برای کمیساریای عالی حقوق بشر فرستاده می‌شود. این گزارش‌ها باید کتبی، حداکثر ۵ صفحه (در صورت اقدام انفرادی)

تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۱۸۷

و یا ۱۰ صفحه (در صورت گردهم آمدن تعداد زیادی از سازمان‌های غیردولتی و انجام اقدام جمعی درخصوص یک کشور) باشد (گلشن پژوه، پیشین، ۲۵).

همچنین، لازم است نظرها پنج ماه پیش از جلسه بررسی گزارش‌های دوره‌ای کشور مد نظر برای کمیساریا ارسال گردد. سازمان‌های غیردولتی و نمایندگان جوامع مدنی در جلسه بررسی گزارش یک کشور می‌توانند با ارائه مطالب کتبی برای نمایندگان سایر کشورها، برگزاری کارگروه‌های اطلاع‌رسانی درباره وضعیت حقوق بشر در یک کشور خاص برای نمایندگان کشورهای دیگر، لابی‌های پیش از اجلاس گروه کاری برای تحت-تأثیر قرار دادن کشورها و بسیاری از ابزارهای دیگر، استفاده کنند. این محدودیت‌ها در اجلاس مربوط به تصویب نهایی گزارش یک کشور وجود نداشته و سازمان‌های غیردولتی یا نهادهای ملی حقوق بشری می‌توانند در مدت زمانی خاص به ارائه گزارش شفاهی خود، له یا علیه کشوری که در انتظار تایید نهایی گزارش یو. پی. آر خود است، پردازند و فضا را تحت تأثیر مفاد بیانیه‌های خود قرار دهند (Mc Mahan, po.cit:225).

### ج. روش‌های ایفای نقش سازمان‌های مردم نهاد

سازمان‌های غیردولتی در مجموع به پنج صورت می‌توانند در جریان بررسی‌های دوره‌ای حضور داشته، ایفای نقش نمایند (میرعباسی، پیشین: ۹۱):

۱. ارائه مشورت‌های لازم به کشور تحت بررسی، هنگام تهیه گزارش ملی؛
۲. ارائه اطلاعات به دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر برای تهیه اطلاعات قابل اعتماد در ارتباط با کشور مورد بررسی؛
۳. ارائه مشورت و تأثیرگذاری در نظرهای برخی کشورها، به منظور طرح دیدگاه‌های مورد نظر آنها درخصوص مسائل حقوق بشری کشور تحت بررسی، به هنگام بررسی وضعیت آن کشور در گروه کاری؛

۴. انتشار گزارش نهایی در سطوح مورد نظر؛
۵. ارائه مشورت به کشورها به‌هنگام بررسی و تصویب نهایی گزارش کشور مورد بررسی در اجلاس شورای حقوق بشر.

### ۳. مراحل مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد

مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در پنج مرحله ذیل قابل بررسی است (میرعباسی، پیشین: ۷۱):

الف. پیش از گروه کاری بررسی‌کننده وضعیت کشورها: در این مرحله سازمان‌های مردم‌نهاد به‌طور مشخص در دو زمینه ذیل می‌توانند مشارکت داشته باشند:

- مشارکت در تهیه گزارش ملی نهادهای مبتنی بر معاهدات شورای حقوق بشر که کشورها را تشویق و ترغیب می‌کند تا گزارش ملی خود به سازوکار ارزیابی ادواری جهانی را از طریق مشارکت گسترده با دیگر طرف‌های ذیربط؛ از جمله سازمان‌های غیردولتی تهیه کنند. لذا سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در امر تهیه گزارش ملی به دولت‌ها کمک نمایند.

- ارائه گزارش مربوط به سازمان‌های مردم‌نهاد.

ب. در خلال بررسی وضعیت حقوق بشر کشورها: سازمان‌های غیردولتی هنگام بررسی وضعیت کشورها، تنها می‌توانند حضور داشته باشند؛ ولی حق گرفتن میکروفون و صحبت را نخواهند داشت.

ج. پس از بررسی کشورها و در خلال نشست گروه کاری: پس از رسیدگی به وضعیت حقوق بشر کشورها، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند نشست‌های ارزیابی برگزار و چگونگی رسیدگی به وضعیت کشورها را بررسی کنند.

د. مشارکت در جلسه عمومی (تصویب‌کننده گزارش وضعیت کشورها): بر اساس قطعنامه ۵/۱، پیش از تصویب گزارش مربوط به وضعیت کشور مورد نظر توسط جلسه عمومی، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند بیانیه‌های شفاهی خود را ارائه دهند. شایان ذکر

### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../ ۱۸۹

است که پیش از تصویب گزارش کشورها، ۲۰ دقیقه به سخنرانی کشور مورد نظر و دیگر کشورها تخصیص یافته و پس از آن، ۲۰ دقیقه به سخنرانی سازمان‌های غیردولتی اختصاص داده می‌شود. سازمان‌های یادشده باید بیانیه کتبی خود را در کاغذ آرم‌دار سازمان ملل متحد چاپ و به صورت سند ارائه دهند. البته، تأثیرگذاری این گونه بیانیه‌ها از بیانیه‌های شفاهی کمتر خواهد بود (گلشن پژوه، پیشین: ۲۲).

هـ. مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در مدت چهارسال زمان بین دو مرحله از رسیدگی به وضعیت حقوق بشر کشورها: از آنجا که هدف از ارزیابی ادواری جهانی، بهبود وضعیت مسائل حقوق بشری کشورهاست، قاعدتاً گزارش کشورها شامل توصیه‌ها، مشورت‌های فنی، و نیز تعیین اهداف مورد نظر، تا اجلاس دوره بعدی ارزیابی ادواری جهانی همان کشور است. در طی این دوران (که حدوداً ۴ سال است) نیز سازمان‌های غیردولتی در کمک به اجرای توصیه‌های مذکور و نیل به اهداف در نظر گرفته شده، نقش تعیین کننده‌ای خواهند داشت (Mc Mahan, po.cit:235).

چنانکه گفته شد، همه سازمان‌های مردم‌نهاد؛ اعم از آنکه دارای صلاحیت مشورتی نزد شورای اقتصادی و اجتماعی بوده یا فاقد آن باشند، می‌توانند گزارش‌های خود را به دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ارسال نمایند و به روش مذکور، پیش، هنگام و پس از اجلاس ارزیابی ادواری کشورها حضوری فعال داشته باشند که این امر می‌تواند تأثیر بسزایی بر ارتقای احترام به حقوق بشر توسط دولت‌ها داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در قطعنامه تشکیل شورای حقوق بشر ذکر شده، فعالیت‌های این شورا باید در چارچوب اصول جهان شمولی، بی‌طرفی، انصاف، برخورد غیرگزینشی، گفتگوها و همکاری سازنده بین‌المللی در جهت ارتقا و حمایت از همه ابعاد حقوق بشر؛ از جمله حق

توسعه انجام گیرد. به‌همین منظور، شورا سازوکارهای جدید حمایتی و ارتقایی را در درون خود به‌وجود آورده است. از جمله این سازوکارها می‌توان به مکانیسم «ارزیابی ادواری جهانی» اشاره نمود که به‌عنوان عاملی کلیدی در شورا به‌حساب می‌آید. هدف از این سازوکار، ارتقا و احترام عمیق به حقوق بشر از طریق نظارت و بررسی عملکرد حقوق بشری همه کشورهاست.

برخلاف کمیسیون سابق حقوق بشر، در این سازوکار وضعیت حقوق بشر همه کشورهای جهان رسیدگی شده و از طرفی، همه کشورها قادر خواهند بود به وضعیت حقوق بشر کشورهای تحت بررسی، انتقادهای راهکارها و توصیه‌هایی را برای رفع مشکلات حقوق بشری آنها ارائه نمایند. از طرف دیگر، نظارت و ارتقای حقوق بشری مبتنی بر همکاری و تعامل، افزایش مشارکت دولت‌ها، افزایش مشارکت سازمان‌های مردم-نهاد، فراگیری ابعاد مختلف حقوق بشری در بررسی‌ها، ارتقای همکاری‌های بین‌المللی و برابری کشورها در ارزیابی مسائل حقوق بشری، به‌خودی خود افزایش مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی را به‌منظور احترام به ارتقای حقوق بشر و حمایت از آن در چارچوب شورای حقوق بشر، به‌دنبال داشته است.

## منابع

- بابایی مهر، علی. (۱۳۹۰). «سازوکار بررسی دوره‌ای جهانی»، راه وکالت، ش ۵.
- بهمنی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). «نقش نظارتی شورای حقوق بشر سازمان ملل»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ش ۵۰.
- تاموشات، کریستیان. (۱۳۸۸). حقوق بشر، حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۸۳). ترمینولوژی حقوق بین‌الملل، تهران: نشر دادگر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»، اندیشه‌های حقوق خصوصی، ش ۱۳.
- سوری، سهراب. (۱۳۸۹). «مروری بر بررسی دوره‌ای جهانی در سال ۲۰۱۰»، پژوهشنامه حقوق بشر، ش ۴۶.
- شایگان، فریده. (۱۳۸۲). تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران.
- گلشن‌پژوه، محمدرضا. (۱۳۸۸). «بررسی دوره‌ای جهانی در شورای حقوق بشر»، پژوهشنامه حقوق بشر، ش ۷.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۴). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- میرعباسی، باقر. (۱۳۸۹). حقوق بین‌المللی عمومی، جلد دوم، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر، جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل.

- Alfredsson, Gudmundur.( 2009). **International Human Rights Monitoring Mechanisms: Essays in Honour of Jakob Th. Möller**, Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.
- Alston, Philip & Goodman, Ryan. (2012). **International Human Rights**, Oxford: Oxford University Press.
- Ayton, Diana –Shenker. March .(1995). **The Challenge of Human Rights and Cultural Diversity**, Published by the United Nations Department of Public Information DPI/1627/HR.
- Charlesworth, Hilary & Larking, Emma. (2015). **Humman Rights and the University Periodic Review:Rituals and Ritualism**, Cambridge: Cambridge University Press.
- De Alba, Luis. (2008). The First Year of The Human Rights Council: A Balance, **International Geneva Yearbook 2008**, New York: United Nations Publications.
- Frazier, David. 2011. **Evaluating the Implementation of UPR Recommendations: A Quantitative Analysis of the Implementation Efforts of Nine UN Member States**: [http://www.upr-info.org/IMG/pdf/david\\_frazier\\_paper\\_upr\\_implementation\\_2011-2.pdf](http://www.upr-info.org/IMG/pdf/david_frazier_paper_upr_implementation_2011-2.pdf).
- Gordon, Lauren. (2011). **The Evolution of International Human Rights: Visions Seen**, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Kemileva, Kamelia. (2010). **Expertise in the Human Rights Council**, a policy paper prepared under the auspices of the Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, Geneva.
- Mc Mahon, Edward. July. (2010). **Herding Cats and Sheep: Assessing State and Regional, Behavior in the Universal Periodic Review Mechanism of the United Nations Human Rights Council**.



- Meghna, Abraham. (2007). Building the New Human Rights Council: outcome and analysis of the institution-building year, **Dialogue on Globalization**, No 33, Geneva.
- Rothwell, A-Khavan. (2011). **International Law: Cases and Materials with Australian Perspectives**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Sen, Purna. (2009). **Universal Periodic Review of Human Rights: Towards Best Practice**, Commonwealth Secretariat, London-UK.
- Smith, Rhona. (2010). **Texts and Materials on International Human Rights**, New York: Taylor & Francis.
- [WWW.uper-info.org/database/statistics.aspx:2014/4/24](http://WWW.uper-info.org/database/statistics.aspx:2014/4/24).
- [WWW.ohchr.org/EN/HRbodies/UPR/pages/NGos.nhris.aspx:2014/12/30](http://WWW.ohchr.org/EN/HRbodies/UPR/pages/NGos.nhris.aspx:2014/12/30)

**عوامل مؤثر در رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران؛  
از نیروگاه بوشهر تا بروجام**

## تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../ ۱۹۵

الهه کولایی<sup>۱</sup>، هادی زرگری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۰۳. ۱۱. ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲۰. ۰۴. ۱۳۹۷

### چکیده

روسیه یکی از بازیگران مؤثر در روند فنی و سیاسی برنامه هسته‌ای ایران بوده است؛ اما دیدگاه‌های یکسانی نسبت به رویکرد آن وجود ندارد. به منظور ارزیابی این دیدگاه‌ها، پرسش این پژوهش این است که عامل یا عوامل مؤثر در شکل‌دهی به رویکرد و رفتارهای فنی و سیاسی روسیه به برنامه هسته‌ای کشورمان چیست؟ در پاسخ به پرسش فوق، این فرضیه مطرح است که رویکرد مسکو را باید در قالب کلان سیاست خارجی آن و در رابطه با نقش‌های جهانی، منطقه‌ای و هسته‌ای سیاست خارجی روسیه، متأثر از گفتمان‌های هویتی این کشور ارزیابی کرد. در این زمینه، کوشش مسکو برای ایفای نقش‌های جهانی و منطقه‌ای و آیین هسته‌ای این کشور، در کنار عوامل اقتصادی و بین‌المللی در دوره‌های زمانی مختلف در کنار هم، تأثیرگذاری متفاوتی در چارچوب گفتمان‌های هویتی در گذر زمان، در شکل‌دهی به رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران و سطح همکاری یا همسویی فنی و سیاسی با آن داشته‌اند. لذا تأکید صرف بر عوامل اقتصادی یا بین‌المللی، نه تنها به تقلیل‌گرایی منجر می‌شود؛ بلکه تغییر در مواضع و رفتارهای روسیه را نیز تبیین نمی‌کند. این پژوهش برای بررسی فرضیه خود از روش توصیفی-تحلیلی و نیز استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه بهره برده است.

**واژه‌های کلیدی:** سیاست خارجی روسیه، برنامه هسته‌ای ایران، گفتمان‌های هویتی روسیه، عوامل اقتصادی، عوامل بین‌المللی، نقش سیاست خارجی

### مقدمه

برنامه هسته‌ای ایران و روندهای فنی و سیاسی آن، یکی از مهم‌ترین موضوع‌های سیاست خارجی کشورمان در ۱۵ سال گذشته بوده است. آنچه بر حساسیت این موضوع افزوده، این نکته است که اهمیت این موضوع به سیاست خارجی ایران محدود نشده و پرونده هسته‌ای ایران به یکی از موضوع‌های مورد توجه سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است. علاوه بر این، نحوه عملکرد و مواضع این قدرت‌ها نیز بر سرنوشت برنامه هسته‌ای کشورمان تأثیرگذار بوده است. لذا شناخت و درک سیاست خارجی این قدرت‌ها،

۱. استاد دانشگاه تهران

۲. نویسنده مسؤل، دکتری روابط بین الملل از دانشگاه تهران zargari\_hadi@ut.ac.ir

اهمیت قابل توجهی در بررسی روند پرونده هسته‌ای ایران و سرنوشت این برنامه دارد. روسیه یکی از بازیگران مهم در این رابطه محسوب می‌شود که به واسطه عضویت در شورای امنیت و حضور در مذاکرات هسته‌ای، تأثیراتی در روند برنامه هسته‌ای کشورمان داشته است؛ اما آنچه ضرورت درک مواضع روسیه و عوامل مؤثر در شکل‌دهی به رویکرد آن را مهم‌تر کرده است، به همکاری‌های فنی این کشور با جمهوری اسلامی ایران در حوزه هسته‌ای برمی‌گردد. با توجه به اهمیت شناخت رویکرد روسیه و عوامل مؤثر در شکل‌دهی به آن، تاکنون پژوهش‌های مختلفی در این مورد صورت گرفته و هر یک بر عوامل متفاوتی در رابطه با رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ایران از آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی تا زمان کسب توافق هسته‌ای (برجام) در سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) تأکید داشته‌اند. عوامل اقتصادی و عناصر موجود در سطح بین‌المللی یا کنشگران ثالث، مهم‌ترین عوامل مورد تأکید اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه بوده‌اند.

با آنکه هر یک از این آثار بر یکی از عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی روسیه در موضوع هسته‌ای ایران تأکید داشته‌اند، از دیدگاه نگارندگان این نوشتار، تأکید صرف بر یکی از این عوامل نه تنها شناخت جامعی از عوامل شکل‌دهنده به رویکرد روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران ارائه نداده است؛ بلکه توان تبیین تغییرات در مواضع و رفتارهای روسیه نسبت به این موضوع را نیز نداشته است. لذا این پژوهش با هدف در نظر داشتن همه عوامل مادی و غیرمادی در سطوح مختلف داخلی روسیه، منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر بر رویکرد روسیه و با تکیه بر چارچوب نظری سازه‌نگاری در پی شناخت عوامل مؤثر در رویکرد روسیه بر مبنای گفتمان‌های هویتی غالب در این کشور و تأثیر این گفتمان‌ها بر سیاست خارجی این کشور است؛ به طوری که هر یک از گفتمان‌های هویتی غالب در روسیه در گذر زمان با تعریف نقش‌هایی برای سیاست خارجی روسیه و متعاقب آن

تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۱۹۷

تعریف منافع این کشور، چارچوب‌های سیاست این کشور در قبال ایران و موضوع‌های مرتبط با آن را شکل داده‌اند.

شایان ذکر است در این پژوهش از گردآوری داده‌ها با منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی همراه با مصاحبه استفاده شده و پس از جمع‌آوری داده‌ها نیز از روش توصیفی-تحلیلی برای تجزیه و تحلیل آنها بهره‌برداری شده است.

### چارچوب نظری

سه مشخصه اصلی نظریه سازه‌نگاری که به ایجاد رویکردی میانی بین رهیافت‌های نظری تبیین‌گرا<sup>۱</sup> و انعکاسی<sup>۲</sup> در تحلیل موضوع‌های سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی منجر شده، عبارتند از: تاکید بر اهمیت ساختارهای هنجاری و معنایی در کنار عوامل مادی، توجه به نقش هویت در شکل دادن به کنش سیاسی و در نهایت، توجه به رابطه متقابل ساختار و کارگزار (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۷۳). سازه‌نگاران به‌منظور پرهیز از تقلیل‌گرایی در تحلیل و فهم مسائل بر این مشخصه‌ها تاکید دارند و به‌خصوص با در نظر گرفتن عنصر هویتی توانسته‌اند مسائلی نظیر علل تغییر در سیاست خارجی کشورها در طول زمان را نسبتاً تبیین و تحلیل کنند.

اصل نخست نظریه‌پردازان سازه‌نگار در تحلیل سیاست خارجی، تاکید بر عدم یکپارچگی دولت به‌عنوان یک بازیگر است. این رویکرد نظری برای تحلیل سیاست خارجی معتقد است که دولت‌ها همواره هویت منسجم و ثابتی ندارند و هویت آنها تحت تأثیر مؤلفه‌های متعدد داخلی و خارجی نظیر ساخت اجتماعی داخل، ماهیت گروه‌های داخلی، ارتباط جامعه و دولت و بازیگران خارجی در کنار ماهیت نوع نظام بین‌المللی

---

1. Explanatory  
2. Reflective

متحول می‌شود. با توجه به این تاکید بر سیالیت هویت بازیگران دولتی، می‌توان گفت با تغییر عناصر هویتی دولت‌ها، ممکن است شاهد تغییراتی در سیاست خارجی آنها نیز باشیم؛ چون هویت دولت‌ها را الهام‌بخش چگونگی تعیین منافع ملی و در نهایت، رفتار سیاست خارجی آنها می‌داند (Borozna, 2008: 7).

هرچند عواملی مانند تاریخ یک کشور، جغرافیا، قومیت، مذهب و نوع نظام سیاسی را عناصر اصلی شکل‌دهنده به هویت دولت‌ها معرفی می‌کنند؛ اما عوامل دیگری نظیر متغیرهای فردی حاکمان و گفتمان‌های سیاسی حاکم در جامعه و گروه‌های سیاسی نیز در شکل‌گیری نوع هویت تأثیرگذارند. همان‌طور که «الکساندر ونت» معتقد است، «هویت‌ها بنیان منافع هستند»؛ پس برای تحلیل منافع یک کشور در راستای ارائه شناختی کلی از سیاست خارجی آن، توجه به نوع گفتمان هویتی غالب در نتیجه فرایند و عوامل فوق‌امری حیاتی است؛ زیرا با توجه به عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری یک هویت غالب و آگاهی از ابعاد آن، می‌توان منافع آن دولت و اولویت‌های سیاست خارجی آن را درک کرد. علاوه بر این، تغییرات احتمالی در سیاست خارجی آن دولت و یا رفتارهای متناقض آن نیز قابل فهم خواهد بود (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۵۲-۳۵۳).

با وجود شناسایی انواع مختلفی از هویت در نظر سازه‌انگاران؛ از جمله هویت‌های نوعی، حقوقی، جمعی و نقشی، آنچه در این نوشتار بیشتر مورد توجه قرار دارد، هویت نقشی بازیگران است. هر دولت دارای یک هویت نقشی است که نه تنها ذاتی نبوده؛ بلکه در تعامل با بازیگران دیگر در سطح داخلی و بیرونی مطرح می‌شود؛ بدین شکل که تحت تأثیر نوع هویت یا گفتمان هویتی غالب، هر کشور نقش یا نقش‌هایی برای سیاست خارجی خود ترسیم می‌کند که ملهم از مؤلفه‌های هویتی، به وضعیتی اشاره دارد که در آن قرار دارد یا در پی کسب آن وضعیت و نقش است. در این رابطه ونت نیز معتقد است هر دولت در ساختار اجتماعی و در تعامل با دیگر بازیگران، دارای یک نقش یا هویت نقشی است و با

### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../ ۱۹۹

تکیه بر این هویت نقشی است که می‌توان رابطه میان هویت ملی و منافع ملی (و متعاقب آن رفتار سیاست خارجی) را تحلیل کرد؛ به طوری که نوع گفتمان هویتی غالب، نقش‌هایی برای سیاست خارجی یک بازیگر تعریف می‌کند و این نقش‌ها منافع، اولویت‌ها و در نهایت، رفتار بازیگران را در قبال دیگران تعیین می‌کند (شجاع و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹-۲۷).

### سیاست خارجی روسیه در قبال ایران

سیاست خارجی روسیه در قبال ایران همانند چارچوب و محورهای کلی سیاست خارجی این کشور تحت تاثیر تغییرات در گفتمان‌های هویتی غالب در روسیه و برداشت‌های نخبگان این کشور از ایران قرار داشته است. هرچند به دلایلی نظیر نزدیکی جغرافیایی یا موضوع‌های سیاسی، عنصر ژئوپلیتیک همواره عامل مهمی در شکل‌دهی به روابط روسیه و ایران بوده است؛ اما با توجه به روند تعاملات دو کشور طی چند دهه اخیر مشاهده می‌کنیم که غالب شدن هر یک از رویکردهای هویتی در روسیه، با پیامدهایی در روابط این کشور با ایران همراه شده است. درحالی که در دوران گفتمان آتلانتیک‌گرایی ایران جایگاه مهمی در سیاست خارجی روسیه نداشت، در دوره اوراسیاگرایان نوع نگاه به ایران تغییر کرد و با افزایش اهمیت ایران در سیاست خارجی این کشور، شاهد گسترش روابط روسیه با ایران بوده‌ایم (کولایی، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۵).

محورهای اصلی شکل‌دهنده به سیاست خارجی روسیه در قبال ایران، علاوه بر تاثیرگذاری مؤلفه‌های هویتی به مسائلی نظیر عامل جغرافیا، برتری مسائل سیاسی و امنیتی نسبت به مسائل اقتصادی و در نهایت، دخالت و تاثیرگذاری بازیگر ثالث برمی‌گردد (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۷). نزدیکی جغرافیایی روسیه و ایران در مسائلی مانند تحولات آسیای مرکزی و قفقاز یا خطر نفوذ افراط‌گرایی از خاورمیانه به روسیه، دغدغه‌های امنیتی دو کشور را به هم پیوند داده و این موضوع عنصر مهمی در

کیفیت روابط دو طرف به‌خصوص تغییر نگاه روسیه به ایران بوده است؛ اما محور دیگر در شکل‌دهی به سیاست‌های روسیه در مورد ایران، دخالت و تاثیرگذاری کشور ثالث یا قدرت‌های بزرگ دیگر است. این امر هم به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم و به‌واسطه تغییرات در برداشت‌های هویتی در روسیه در جریان تعامل با غرب خود را نشان داده است؛ به‌گونه‌ای که در شرایطی که روسیه روابط مناسبی با غرب داشته، از اهمیت جایگاه ایران در سیاست خارجی این کشور کاسته شده است. در شرایطی نیز روسیه ناچار به کاستن از روابط خود با ایران در پی فشار غرب شده است (Белоглазов, 2016).

با وجود روابط اندک روسیه با ایران در دهه ۹۰ میلادی متأثر از سلطه غرب‌گرایان، با به قدرت رسیدن اوراسیاگرایان، روابط روسیه و ایران افزایش یافت. در این دوره، ضمن همکاری طرفین در موضوع‌هایی مانند مقابله با نفوذ غرب در منطقه، روسیه به افزایش همکاری در حوزه هسته‌ای با ایران متمایل شد و در مقابل اتهامات امریکا در این رابطه اعلام کرد، فعالیت‌های ایران و همکاری با آن در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای قرار دارد. در این دوره زمانی، برداشت‌های روسیه از برنامه هسته‌ای ایران با ادراک و مواضع امریکا متفاوت بود (کولایی و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

در دهه اخیر، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران را می‌توان کوششی برای ایجاد تعادل میان دو وضعیت همکاری با ایران و تامین نیازهای تسلیحاتی و استراتژیک آن و همچنین، همکاری با غرب در کنترل قدرت ایران و فشار بر آن توصیف کرد. روسیه با اتخاذ رویکرد دوگانه «کنترلی و تعدیلی» کوشیده است ضمن کنترل هرگونه افزایش قدرت ایران، فشارهای غرب علیه تهران را نیز در جهت منافع خود تعدیل نماید (مولایی و زرگری: ۱۳۹۵: ۱۰۹). سیاست خارجی روسیه تحت تأثیر عوامل مختلفی در پی ایجاد توازن میان دو وضعیت فوق قرار دارد؛ به‌طوری که از یک طرف ضمن همکاری با ایران با درخواست‌های آن برای تسلیحات پیشرفته و فناوری نظامی مخالفت کرده و مانند مورد



### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۲۰۱

اس-۳۰۰ اگر تعهدی نیز در این رابطه به ایران داشت، آن را به شکل مطلوب اجرایی نکرده‌اند؛ از طرف دیگر و بر خلاف فشارهای غرب خواستار حفظ تعاملات با ایران در حوزه‌های مختلف؛ از جمله تداوم همکاری هسته‌ای بوده‌اند. همچنین، درحالی که با نگرانی از تبدیل شدن ایران به یک رقیب منطقه‌ای یا هسته‌ای مخالف افزایش قدرت آن؛ به‌خصوص در حوزه هسته‌ای بوده‌اند، حمله نظامی غرب علیه ایران را نیز به دلایل نتایج آن مخالف منافع خود تصور کرده و سعی بر تعدیل فشارهای غرب داشته‌اند ( Trenin& Malashenko, 2010: 21-22).

این امر به خوبی در دیدگاه «دیمیتری ترنین»<sup>۱</sup> محقق روس نمایان است. وی معتقد است:

«دیدگاه مسکو این است که یک ایران پر قدرت می‌تواند روسیه را با تهدیدهایی مواجه کند. ایران به‌عنوان دومین دارنده ذخایر گاز پس از روسیه، یک رقیب بالقوه برای بازار انرژی روسیه است و یک ایران هسته‌ای نیز می‌تواند سلطه روس‌ها بر آسیای مرکزی و قفقاز را دچار مشکلاتی کند... با وجود این نگرانی‌ها در میان نخبگان سیاسی روسیه در مورد افزایش قدرت ایران، روسیه تمایلی به تضعیف ایران نیز ندارد؛ زیرا یک ایران ضعیف با پیامدهای امنیتی برای روسیه مانند بی‌ثباتی در منطقه همراه خواهد بود. به همین دلیل است که روسیه همواره مخالف هرگونه حمله یا عملیات نظامی علیه ایران است» ( Trenin& Malashenko, 2010: 7-8).

طی چند سال اخیر و با تشدید بحران در اوکراین و به‌خصوص سوریه، رویکرد مسکو به تهران پیچیده‌تر شده است؛ زیرا در شرایطی که روسیه تحت تحریم غرب قرار دارد و نگران از دست رفتن حوزه نفوذ سنتی خود در سوریه است، اشتراک منافع مسکو با تهران، به نزدیکی بیشتر دو طرف منجر شده است؛ زیرا مسکو ضمن کوشش برای نقش‌آفرینی در

---

1. Dmitri Trenin

بحران‌های مختلف به‌عنوان قدرتی جهانی، می‌کوشد با همکاری با بازیگرانی مانند ایران به پیشبرد منافع و نقش‌های خود بپردازد. لذا با توجه به چنین شرایطی و در نظر داشتن مشکلات اقتصادی روسیه در دوران تحریم، شاهد افزایش تعاملات روسیه با ایران در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای بوده‌ایم (Белоглазов, 2016).

همان‌طور که مؤلفه‌های فوق نشان می‌دهد، تحلیل رفتارهای روسیه در قبال ایران بر مبنای انگیزه‌های اقتصادی، تاثیرگذاری عنصر خارجی یا ژئواستراتژیک ناکافی است؛ چون به تاثیر عوامل غیرمادی؛ به‌خصوص برداشت‌های نخبگان روسی از ایران توجه ندارد؛ زیرا رفتارهای سیاست خارجی روسیه تحت تاثیر نقش‌های ترسیم شده برای سیاست خارجی این کشور؛ از جمله نقش‌های قدرت بزرگ جهانی، ابرقدرت منطقه‌ای و ابرقدرت هسته‌ای که برآمده از برداشت‌های نخبگان سیاسی و فکری آن در مورد جایگاه روسیه در جهان و منطقه هستند، قرارداد؛ به‌طوری‌که روسیه می‌کوشد سیاستی در قبال ایران و مسائل آن اتخاذ کند که همسو با ایفای چنین نقش‌هایی باشد. در واقع، تصور نخبگان سیاسی روسیه از جایگاه و نقش این کشور و تاثیر تقویت یا تضعیف قدرت ایران بر کیفیت ایفای این نقش‌های روسیه به رویکرد دو وجهی آنها نسبت به ایران شکل داده است (Omelicheva, 2012: 341-342).

با توجه به شمای کلی سیاست خارجی روسیه در قبال ایران، اولویت‌ها و نگرانی‌های نخبگان حاکم در مسکو در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران و چگونگی مدیریت آن را باید در قالب این محورها ارزیابی کرد: دکترین هسته‌ای روسیه و برنامه هسته‌ای ایران، تاثیر سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران بر هژمونی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، غربگرایی احتمالی ایران و تعدیل فشارها علیه ایران (مولایی و زرگری، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۱۵).

**روند همکاری هسته‌ای روسیه با ایران**

## تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۲۰۳

اساس تعامل ایران و روسیه در حوزه هسته‌ای به قرار زیر بوده است:

- توافق در استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز در ۱۷ اوت ۱۹۹۲؛
- قرارداد برای اتمام ساخت نیروگاه بوشهر برای اولین بار که توسط نمایندگان انرژی اتمی در سال ۱۹۹۵ دو کشور به امضا رسید؛
- پروتکلی از مذاکرات «میخایلف»<sup>۱</sup> وزیر انرژی اتمی فدراسیون روسیه، و معاون رئیس جمهور ایران و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، دکتر رضا امراللهی در ۸ ژانویه ۱۹۹۵؛
- امضای توافقنامه تکمیلی در بهار ۱۹۹۸ طی سفر «ولادیمیر بولگانف»<sup>۲</sup>، معاون نخست وزیر روسیه به ایران (Sanaei, 2007)؛
- توافقنامه بین دولتی در زمینه همکاری تجارت و اقتصاد در ۱۴ آوریل ۱۹۹۷؛
- پیمان همکاری بین فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ مارس ۲۰۰۱ (Шкваря, 2014).

از آغاز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۹۹۰، به دلیل امتناع کشورهای اروپایی و غربی در همکاری هسته‌ای با ایران، مقامات وقت کشورمان برای پیشبرد برنامه هسته‌ای، همکاری‌هایی را با روسیه آغاز کردند که عمدتاً به ساخت نیروگاه اختصاص داشت. روسیه نخستین توافقنامه ساخت نیروگاه اتمی و همکاری در عرصه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را در سال ۱۹۹۲ با ایران امضا کرد. متعاقب این همکاری، در سال ۱۹۹۵ نیز قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار بین دو کشور به امضا رسید (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

در ادامه روند همکاری‌ها، در نوامبر سال ۱۹۹۸، «یوگنی آدامف»<sup>۳</sup>، وزیر انرژی اتمی وقت روسیه با سفر به ایران و پس از دیدار از پروژه بوشهر موافقت‌نامه همکاری تخصصی

---

1. Mikhailov  
2. Vladimir Bolganov  
3. Yevgeny Adamov

روسیه با ایران را به امضا رساند و طبق آن قرار شد طرح بوشهر تا سال ۲۰۰۳ تکمیل شود. به منظور اجرای همکاری‌های فنی میان طرفین نیز حدود دو هزار کارشناس روس حضور داشتند و حدود ۳۰۰ شرکت فنی مختلف از این کشور نیز در مراحل مختلف تکمیل این نیروگاه مشارکت کرده‌اند. هرچند این طرح در موعد مقرر از سوی روس‌ها اجرایی نشد؛ اما زمینه پیوند روسیه با برنامه هسته‌ای ایران را فراهم کرد و با گذشت بیش از دو دهه، همکاری دو طرف در این زمینه همچنان ادامه دارد (Гришин, 2016).

اسناد، تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهایی در رابطه با جزئیات تکمیل و نحوه آغاز فعالیت نیروگاه بوشهر مانند توافقنامه در مورد چگونگی تامین سوخت از طرف روسیه و تبادل آن برای نیروگاه بوشهر میان طرفین به امضا رسیده است؛ اما سه توافق فوق در دهه ۱۹۹۰ اسناد پایه‌ای و آغازین همکاری‌های هسته‌ای روسیه با ایران هستند که سنگ بنای این همکاری‌ها نیز محسوب می‌شوند (سنایی، ۱۳۸۷: ۱۶). طی سال‌های اخیر نیز اسناد مهم دیگری در مورد همکاری‌های جدید برای ساخت نیروگاه‌های دیگر میان طرفین امضا شده است که واحدهای دوم و سوم نیروگاه بوشهر از جمله آنها محسوب می‌شود.

تصمیم دولت وقت روسیه برای آغاز همکاری هسته‌ای با ایران با مخالفت‌های جدی در روسیه مواجه شد و مخالفان همکاری هسته‌ای با ایران، که عمدتاً از نخبگان غربگرا بودند، همکاری هسته‌ای با ایران را با منافع روسیه مغایر می‌دانستند؛ ولی موافقان این امر علاوه بر منافع اقتصادی حاصل از این همکاری، بر کنترل برنامه هسته‌ای ایران از سوی روسیه و «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»<sup>۱</sup> در صورت همکاری مسکو و تهران تاکید داشتند. موافقان این امر برخی نگرانی‌ها در مورد احتمال هسته‌ای شدن ایران و دستیابی آن به سلاح اتمی با توجه به پیامدهای آن برای مسکو را بی‌مورد توصیف می‌کردند؛ زیرا معتقد بودند در صورت تداوم همکاری‌های فنی روسیه، احتمال نظارت بیشتری بر فعالیت-

---

1. International Atomic Energy Agency

## تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../ ۲۰۵

های ایران وجود خواهد داشت. علاوه بر منافع اقتصادی و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اجرای چنین قراردادی در بهبود چهره قدرت هسته‌ای روسیه که با انفجار هسته‌ای چرنوبیل ضربه شدیدی دیده بود، کمک می‌کرد (کولایی، ۱۳۸۵: ۸۲).

با انتشار گزارش‌هایی درخصوص برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲م/۱۳۸۱ش. و تشدید تبلیغات علیه تهران، فشار بر دولت روسیه در داخل و خارج از این کشور افزایش یافت. مخالفان همکاری هسته‌ای با ایران نیز از این فرصت استفاده کرده، از رویکرد دولت پوتین در همکاری با ایران انتقاد کردند. همچنین، پس از رفع تعلیق از سوی ایران در اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قطعنامه شدیدالحنی علیه کشورمان تصویب شد که روسیه نیز با آن همراه شد. در این راستا، هرچند روسیه منافع زیادی در نتیجه همکاری هسته‌ای با ایران کسب می‌کرد؛ اما مجموعه‌ای از عوامل نظیر فشار غرب، محیط داخلی ایران و روسیه و رویکرد کلی سیاست خارجی روسیه در رابطه با نگرانی آن از نقش‌های مدنظر رهبران و نخبگان روسی؛ از جمله ابرقدرت هسته‌ای و منطقه‌ای، به همراهی نسبی روسیه با فشارها علیه ایران و کاستن از سطح و سرعت همکاری با ایران در حوزه هسته‌ای منجر شد (کولایی، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۴)؛ به طوری که تعهدات خود در قبال ایران را در موعد مقرر اجرا نکرد. دلایل تأخیر در ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر به طور کلی به سه دسته علل فنی، علل اقتصادی و علل سیاسی قابل تقسیم است (شوری، ۱۳۸۸: ۷۷).

موضوع مهم دیگر در مورد همکاری‌های فنی دو طرف به طرح‌های پیشنهادی روسیه برای تداوم همکاری‌ها و یافتن راه‌حل برای پایان دادن به اختلافات در مورد برنامه هسته‌ای ایران برمی‌گردد. از آنجا که غنی‌سازی و پسماند سوخت از مهم‌ترین ابعاد اختلافات میان طرفین بود، در این شرایط روسیه پیشنهاد غنی‌سازی اورانیوم در خاک روسیه در قالب یک شرکت سهامی ایران و روسیه را به ایران اعلام کرد؛ اما ایران به دلیل

عدم تامین اهداف و منافع خود، با این طرح روسیه موافقت نکرد و این واکنش تهران، نارضایتی مسکو و کندتر شدن همکاری‌ها را در پی داشت (پریماکوف، ۱۳۹۱: ۱۹۳).  
با آغاز دور جدید مذاکرات هسته‌ای و متعاقب آن، افزایش امیدها نسبت به احتمال موفقیت آن در سال ۲۰۱۴، شاهد مجموعه اقدامات و تعاملاتی میان مقامات روسی و ایرانی بودیم که به آغاز گفتگوها برای افزایش سطح همکاری‌ها و طرح‌های جدید در حوزه هسته‌ای مانند مذاکرات ساخت نیروگاه‌های جدید از سوی روسیه برای ایران منجر شد. این همکاری‌ها در زمینه ساخت نیروگاه و خرید و فروش تولیدات و تجهیزات هسته‌ای در دوره پس از برجام وارد مرحله اجرایی شدند (Kozhanov, 2015: 14-15).

### تأثیر و جایگاه عوامل اقتصادی

وابستگی اقتصادی متقابل، یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند در میزان همکاری کشورها نقش قابل توجهی ایفا کند. همکاری‌ها و تعاملات اقتصادی روسیه با ایران در بخش‌های مختلفی نظیر روابط بازرگانی و تجاری، همکاری در حوزه انرژی؛ اعم از نفت و گاز و هسته‌ای و فروش تسلیحات طی چند دهه اخیر در سطوح مختلف نوسان داشته است. درحالی که در سال ۱۹۹۱ و پیش از سقوط شوروی، حجم روابط بازرگانی شوروی با ایران به میزان یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار رسیده بود، با سقوط شوروی و به قدرت رسیدن آتلانتیک‌گرایان حجم روابط تجاری دو طرف به شدت کاهش یافت. با به قدرت رسیدن اوراسیاگرایان و کاهش غربگرایی در سیاست خارجی روسیه، بار دیگر روابط اقتصادی روسیه با ایران رشد کرد. این افزایش حجم روابط بازرگانی در دوران پوتین نیز تداوم داشت و در سال ۲۰۰۰ از حدود ۷۰۰ میلیون دلار، به مرز یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ رسید. پس از قرارداد همکاری‌های ۱۰ ساله میان دو کشور، حجم روابط تجاری نیز

تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۲۰۷

گسترش یافت و در سال ۲۰۰۵ روسیه به هفتمین شریک تجاری ایران تبدیل شد که حدود ۵ درصد از واردات به ایران را تامین می‌کرد (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

جدول ۱. روابط تجاری روسیه با ایران از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ (ارزش به میلیون دلار)

سال	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۵
حجم روابط تجاری	۱۴۰۰	۷۲۳	۲۰۰	۷۰۰	۱۰۰۰	۱۹۵۰

منبع: سازمان توسعه تجارت و گمرک ج.ا.ایران

در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین، تعاملات تجاری مسکو با تهران رشد بیشتری داشت؛ اما دوران اوج همکاری‌های اقتصادی روسیه با ایران از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ را شامل می‌شود که به بیش از ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار رسید. این میزان تجارت بین دو کشور هر چند در سال ۲۰۱۲ نیز نسبتاً پایدار ماند (Kozhanov, 2012: 20)؛ اما پس از سال ۲۰۱۲ به دلیل اجرایی شدن همه تحریم‌ها علیه تهران، شاهد افت حجم تجارت بین دو کشور به کمتر از یک میلیارد در سال ۲۰۱۵ بوده‌ایم.

جدول ۲. روابط تجاری روسیه با ایران طی یک دهه اخیر (ارزش به میلیون دلار)

سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
حجم روابط تجاری	۲۱۴۵	۳۳۱۵	۳۳۹۰	۳۰۶۰	۳۶۵۱	۳۷۵۳	۲۰۹۷	۱۱۸۳	۹۵۳	۷۷۲	۲۰۲۳
صادرات روسیه به ایران	۱۹۰۵	۲۹۶۵	۳۲۸۸	۲۸۴۶	۳۲۷۹	۳۴۰۱	۱۹۰۲	۶۸۸	۶۶۹	۵۶۰	۱۷۲۳
واردات روسیه از ایران	۲۴۰	۳۴۹	۴۰۱	۲۱۳	۲۷۱	۳۵۲	۴۲۸	۳۹۶	۲۸۴	۲۱۲	۳۰۰

توازن	۱۶۶۵	۲۶۱۶	۲۸۸۶	۲۶۳۳	۳۱۰۸	۳۰۵۰	۱۴۷۴	۳۹۱	۳۸۵	۳۴۸	۱۴۲۳
تجاری											
برای											
روسیه											

منبع: سازمان توسعه تجارت و گمرک ج.ا. ایران

همان‌طور که جدول آمار روابط تجاری دو طرف نشان می‌دهد، با بهبود روابط سیاسی، زمینه برای همکاری اقتصادی فراهم شد. در تحلیل روابط تجاری روسیه با ایران، همچنین باید توجه داشت که ایران در اجناس و موضوع‌های راهبردی نظیر صنعت هسته-ای و تسلیحات نظامی، به واردات از روسیه وابسته است و این امر پیامدهای اقتصادی و سیاسی مثبتی برای روسیه داشته است. موضوع دیگر، اهمیت اندک ایران در تجارت خارجی روسیه است. درحالی که روسیه در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به‌طور میانگین حدود ۲۷۰ میلیارد دلار واردات داشته است (عسگریان، ۱۳۹۴: ۱۱۳)، ایران در بهترین زمان کمتر از نیم میلیارد دلار به روسیه صادرات داشته است؛ برای مثال، سهم ایران در حجم بازرگانی خارجی روسیه در سال ۲۰۱۲ میلادی ۰/۴۷ درصد؛ یعنی کمتر از ۰/۵ درصد بود. این امر از این نظر که پیامدهای منفی کاستن روابط با ایران را برای مسکو کاهش می‌دهد، دارای اهمیت است (Ivanov and others, 2014: 13).

بحث انرژی، مسأله مهم دیگر روابط روسیه و ایران است. روابط دو کشور در حوزه نفت و گاز شامل ابعاد رقابتی، همسویی منافع و همکاری می‌شود. با وجود ظرفیت‌های متعدد در گسترش روابط تجاری میان روسیه و ایران، این مبادلات هنوز به میزانی که به وابستگی متقابل دو طرف منجر شود، نرسیده است.

با توجه به آمارهای روابط تجاری دو کشور در گذر زمان، می‌توان گفت عنصر اقتصاد در یک دوره عامل مهمی در شکل‌دهی به گسترش روابط روسیه با ایران به‌طور کلی



### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../ ۲۰۹

و آغاز همکاری هسته‌ای به‌طور خاص بوده است. در مورد اهمیت مباحث اقتصادی در رابطه با رویکرد کلی مسکو نسبت به برنامه هسته‌ای تهران، باید اشاره کرد که این موضوع صرف‌نظر از مسائل سیاسی یا امنیتی، با مزایای اقتصادی برای روسیه همراه بوده و هدف و انگیزه اصلی روسیه در آغاز همکاری‌ها با ایران علی‌رغم فشارهای غربی نیز پیامدهای اقتصادی این موضوع برای روسیه بوده است؛ برای مثال، این همکاری با درآمدها و پیامدهای مالی قابل توجهی برای روسیه در حوزه‌های ساخت زیرساخت‌ها و نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران، درگیر کردن شرکت‌های تخصصی روسی در این پروژه‌ها و کسب درآمد ارزی، استفاده از توان متخصصان هسته‌ای روسیه، و مبادله سوخت و پسماندهای سوخت هسته‌ای همراه بوده است.

با وجود نقش عنصر اقتصاد در شکل‌گیری رویکرد سیاست خارجی روسیه در قبال ایران و در موضوع هسته‌ای به‌طور اخص طی ۲۵ سال اخیر، این عنصر تنها در مراحل آغازین شکل‌گیری همکاری‌ها در این حوزه؛ یعنی دهه ۱۹۹۰ نقش تعیین‌کننده را داشته و انگیزه اصلی نخبگان روسیه بوده است و در دوره‌های بعد از اهمیت و وزن آن کاسته شده است. هرچند همان‌طور که نوسان در آمارهای تجاری نشان داد، در این دوره ابتدایی نیز عنصر اقتصاد در چارچوب تغییر گفتمان‌ها امکان ایفای نقش و تأثیرگذاری یافته و تغییر گفتمان‌ها و چرخش رویکرد غالب در سیاست خارجی روسیه باعث افزایش اهمیت اقتصادی یا سیاسی همکاری با ایران برای روسیه شده است. در واقع، همکاری‌های اقتصادی مسکو با تهران همانند و همزمان با همکاری هسته‌ای تغییر کرده و علل این امر نبوده است؛ بلکه هر دو معلول مسائل دیگر بوده‌اند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ غربگرایی به کاهش شدید روابط اقتصادی منجر شد؛ اما از اواخر دهه ۱۹۹۰ و تأثیرگذاری اوراسیاگرایی، شاهد تغییر این روند بوده‌ایم (Kolaee, 2008: 6). این نکته نیز شایان توجه است که توسعه برنامه هسته‌ای ایران، علاوه بر اینکه ایران را در این زمینه به روسیه وابسته

کرده، سبب کسب پرستیژ سیاسی در سطح بین‌الملل برای روسیه و ورود این کشور به بازار هسته‌ای جهان شده است (Aras & ozbay, 2008: 52).

### ارزیابی نقش عناصر بین‌الملل یا عامل سوم

یکی از گزاره‌های مفهومی که با بررسی تاریخ طولانی روابط روسیه و ایران به دست می‌آید، این مسأله است که این روابط، تعاملی فراتر از روابط دوجانبه و مستقیم است؛ زیرا روابط روسیه و ایران هیچ‌گاه منحصر به روابط تهران و مسکو نبوده و به‌خصوص در برخی موضوع‌ها مانند هسته‌ای یا نظامی، پیوسته از عنصر خارجی یا بین‌المللی متأثر بوده است (سجادپور، ۱۳۸۷: ۱۷۴-۱۷۵).

علاوه بر این، موضوع‌هایی دیگر همانند چندجانبه‌گرایی و ایجاد نظام چندقطبی که از اصول سیاست خارجی روسیه نیز محسوب می‌شوند، باعث تأثیر مسائل بین‌الملل بر روابط دوجانبه شده‌اند. دو کشور روسیه و ایران با نظام بین‌الملل تک‌قطبی، هژمونی امریکا و یک‌جانبه‌گرایی آن مخالفت جدی دارند. جلوگیری از فشارهای امریکا برای انزوای روسیه و ایران، دستیابی به قدرت مانور بیشتر و ممانعت از گسترش ناتو، از مهم‌ترین موضوع‌های بین‌المللی در روابط مسکو و تهران است. بعلاوه، موضع مشترک روسیه و ایران از برخورد دوگانه غرب در زمینه حقوق بشر و رای منفی روسیه از سال ۱۹۹۶ تاکنون به قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران، از دیگر مسائل بین‌المللی تأثیرگذار در روابط دوجانبه بوده است (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۷۱). داشتن مواضع همسو در برخی بحران‌های بین‌المللی نظیر سوریه نیز از موضوع‌های مهم و جدید در روابط دو کشور است.

برخلاف برخی ارزیابی‌ها درباره تأثیرگذاری عنصر خارجی و بین‌المللی در شکل-دهی به رویکرد مسکو، این تأثیرگذاری به ابعاد مثبت و یا منفی محدود نبوده و پیامدهای

### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../ ۲۱۱

دوگانه‌ای داشته است؛ برای مثال، امتناع ایران از تبلیغ اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز در دهه ۱۹۹۰ و همکاری با روسیه در موضوع‌های این مناطق، باعث افزایش اعتماد مسکو به تهران شد؛ اما فراتر از سطح منطقه‌ای، مواضع مشترک دو کشور در موضوع‌های جهانی مانند مخالفت با نظام تک‌قطبی نیز از عوامل بین‌المللی مثبت در روابط دوجانبه محسوب می‌شود (Kozhanov, 2015: 8). با وجود این، مسائل دیگری در این سطوح، تأثیراتی منفی بر رویکرد روسیه در قبال ایران داشته‌اند. طی دو دهه اخیر، روسیه به شدت توجه داشته است روابط با ایران تا جایی گسترش نیابد که تعامل مسکو با دیگر کنشگران را تهدید کند. مسکو تلاش داشته است تعادلی میان روابط با ایران و دشمنان یا رقبای سیاسی آن؛ از جمله امریکا، اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس در سیاست خارجی خود اعمال کنند؛ زیرا رهبران روسیه معتقدند هرگونه اتحاد یا مشارکت راهبردی با ایران، روابط آن با این کنشگران را تخریب خواهد کرد (Mamedova, 2016).

با وجود تأثیرگذاری پایدار عنصر بین‌المللی یا خارجی بر سیاست خارجی روسیه در رویارویی با موضوع‌های مرتبط با ایران، سطح این تأثیرگذاری وابسته به نوع گفتمان حاکم بر روسیه متفاوت بوده است؛ به طوری که در دهه ۱۹۹۰ و در دوران تسلط غرب‌گرایان بر روسیه، تأثیرگذاری عامل غرب و به خصوص امریکا برجسته است. در نتیجه، در سال‌های نخست این دهه، متعاقب روابط نزدیک مسکو با غرب، از سطح همکاری‌ها و روابط روسیه با ایران به شدت کاسته شد. همچنین، در طول دهه ۱۹۹۰ فشارهای غرب به رهبری امریکا بر روسیه، باعث تغییر برخی مواضع روسیه در مورد ایران شد (Pieper, 2017: 70).

تأثیرگذاری عوامل بین‌المللی طی چند سال اخیر، تحت تأثیر عوامل دیگر تداوم داشته است. متعاقب تحولات خاورمیانه، مسکو به شدت نگران وضعیت خود پس از این تحولات بود و با توجه به نفوذ تهران در منطقه، شاهد گسترش تماس‌های مقامات روسی

با رهبران ایران بوده‌ایم. تحولات در این منطقه به پیامدهایی در سیاست خاورمیانه‌ای مسکو منجر شد و رویکرد روسیه به این منطقه را دچار تحولاتی کرد. هرچند همه این تغییرات، متأثر از مسائل خاورمیانه نیست و موضوع‌هایی مانند بحران اوکراین و کوشش‌های روسیه برای ایفای نقش در قالب یک قدرت بزرگ جهانی نیز در سال‌های اخیر در این روند تأثیرگذار بوده‌اند (کولایی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). از دیدگاه روسیه، پس از این تحولات، تهران یکی از آخرین عناصر برای تقویت همکاری و ایفای نقش در منطقه بود. موضوع دوم بحران اوکراین و افول شدید روابط روسیه با غرب بود که باعث توجه بیشتر سیاست خارجی روسیه به همکاری با ایران شد؛ زیرا علاوه بر تلاش برای فرار از انزوا، ایران کنشگر مهمی در سطح منطقه و مواضع ضدغربی آن همسو با رویکرد روسیه بود (Kozhanov, 2015: 11).

از آنجا که آمریکا جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه دارد، کرملین می‌کوشد از همه ابزارها و ظرفیت‌ها برای تنظیم روابط با آن بهره‌برد. در این رابطه، نوع روابط خاص مسکو با تهران، با توجه به اختلافات آمریکا و ایران چنین فرصتی را برای روسیه فراهم کرده است. درحالی که نمودهایی از تأثیرگذاری این چنین آمریکا در سیاست خارجی روسیه در مواجهه با ایران، همانند همراهی با تحریم‌ها علیه ایران در دوران «دیمیتری مدودف»<sup>۱</sup> وجود دارد، باید اذعان داشت که معتقدان به چنین فرضیه‌ای، به چگونگی و علل تأثیرگذار در بهبود و یا ایجاد تنش در روابط روسیه با غرب به‌عنوان علت اصلی تکوین و تغییرات در سیاست خارجی روسیه توجه نداشته و عنصر آمریکا را به‌عنوان عامل شکل‌دهنده به چگونگی شکل‌گیری مواضع مسکو پنداشته‌اند (Zargari, 2016).

عنصر خارجی دیگر در سطح منطقه‌ای در شکل‌دهی به سیاست خارجی مسکو در قبال تهران، وضعیت دریای خزر است که برخلاف شرایط کنونی خاورمیانه، تأثیرات منفی

### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۲۱۳

در این عرصه داشته است. هرچند روسیه تا اواخر دهه ۱۹۹۰ موضوعی مشابه ایران و در مخالفت با ورود کنشگران فرامنطقه‌ای و اقدامات یک‌جانبه اتخاذ کرد؛ اما کشف منابع انرژی و اهمیت این عنصر در راهبرد سیاست خارجی روسیه در قالب نقش «ابرقدرت انرژی» باعث چرخش مواضع روسیه گشت و این کشور با اتخاذ اقداماتی مانند قراردادهای دوجانبه با آذربایجان و قزاقستان در بهره‌برداری از منابع دریای خزر، موضوعی متفاوت با ایران درپیش گرفت که به ظهور اختلاف عمیق و مهمی در روابط دوجانبه منجر شد (زرگری، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۷). این موضوع با پیامدهایی در روابط دو کشور همراه شد که بر شکل‌دهی به رویکرد مسکو به برنامه هسته‌ای ایران نیز تاثیرگذار بوده است؛ زیرا با ایجاد فضای بی‌اعتمادی و اختلاف‌زا در روابط دوجانبه، باعث شکل‌گیری نگرش رقابتی از سوی مسکو علیه تهران شده است. همچنین، علت دیگر چنین اختلافاتی میان دو کشور در موضوع خزر، وجود منابع انرژی و نگرانی روسیه از احتمال تبدیل شدن ایران به رقیبی برای صادرات انرژی است (کولایی، ۱۳۹۳).

در ارزیابی فرضیه تاثیرگذاری عامل خارجی یا عنصر بین‌الملل بر سیاست خارجی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران، نمی‌توان تاثیرات این عامل را در این موضوع نادیده انگاشت؛ اما در این خصوص باید به چهار نکته توجه داشت: نخست، عناصر بین‌الملل برخلاف فرضیه‌های دیگر تأثیرات متفاوتی در هر دو بعد مثبت و منفی در روابط روسیه و ایران؛ به‌ویژه در موضوع هسته‌ای داشته است و این تاثیرگذاری تنها عامل شکل‌دهنده به مواضع، رفتارها و رویکرد سیاست خارجی روسیه در این حوزه نبوده است. دوم، پیامدها و محورهای تأثیرگذاری عناصر و عوامل سطح بین‌الملل به‌طور کامل در روابط روسیه با ایران محقق نشده‌اند؛ برای مثال، درحالی که کنشگران بین‌المللی تأثیرگذار بر سیاست خارجی روسیه در پی توقف همکاری‌های هسته‌ای روسیه با ایران و ایجاد محدودیت در فروش تسلیحات از سوی روسیه به ایران بوده‌اند، این اهداف از سوی روسیه به‌طور کامل

محقق و اجرایی نشده‌اند. سوم، تاثیرگذاری عناصر بین‌الملل در همه برهه‌های زمانی یکسان نبوده و در دوره تسلط گفتمان هویتی غربگرایی بیشتر بوده است. چهارم، در دوران تشدید تنش‌ها میان روسیه و غرب نیز علی‌رغم تمایل تهران، روابط روسیه با ایران راهبردی نشده است. پس علی‌رغم برخی تحلیل‌ها در ارزیابی رویکرد روسیه در برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان «کارت بازی مسکو» در روابط با غرب، می‌توان گفت عوامل موجود در سطح بین‌الملل در همه برهه‌های زمانی تاثیرگذاری یکسان و مشابهی نداشته و همچنین، تنها عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی روسیه در موضوع‌های مرتبط با ایران نبوده‌اند و باید به عوامل کلان‌تری توجه داشت.

### گفتمان‌های هویتی زمینه‌ساز عوامل متعدد تأثیرگذار

تاکید صرف بر فرضیه تاثیرگذاری عناصر اقتصادی و محیط بین‌الملل به‌عنوان پاسخی به چرایی و چگونگی رفتار و رویکردهای روسیه در موضوع هسته‌ای ایران طی ۲۵ سال گذشته تحلیلی تقلیل‌گرایانه خواهد بود؛ زیرا همان‌طور که در ارزیابی عامل اقتصادی و بین‌المللی نیز بیان شد، مؤلفه‌های متعددی در این روند تاثیرگذار بوده‌اند. سیاست خارجی و تعاملات دیپلماتیک تابعی از شرایط و عناصر مختلف در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است و ارزیابی سهم و وزن هر یک از این عوامل به شرایط هر کشور و موضوع مورد مطالعه بستگی دارد. لذا نمی‌توان با در نظر گرفتن عامل اقتصاد در یک سطح و یا عناصر سطح بین‌الملل و یا اختلافات یا مواضع مشترک در سطح منطقه‌ای در پی پاسخ به پرسش‌ها در مورد رویکرد روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران بود.

با وجود نشانه‌ها و نمودهای تأثیرگذاری عناصر اقتصادی و عوامل موجود در سطح بین‌الملل بر رویکرد روسیه به برنامه هسته‌ای ایران و با توجه به کاستی‌های هر یک از فرضیه‌های اقتصادی یا بین‌المللی در تبیین و تحلیل این امر، به نظر می‌رسد به‌منظور اجتناب

### تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../ ۲۱۵

از تقلیل‌گرایی در فهم مساله باید به همه عوامل مؤثر در سطوح سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در شکل‌دهی و تغییر یا تداوم رویکرد روسیه توجه داشت. در این راستا، ضمن پذیرش تاثیرگذاری عوامل اقتصادی و بین‌المللی در شکل‌دهی به رویکرد روسیه در برخی برهه‌های زمانی، با تکیه به مؤلفه‌های هویتی غالب در روسیه و تحولات هویتی در این کشور در کنار اصول کلان سیاست خارجی این کشور، می‌توان ضمن ارزیابی کیفیت تاثیرگذاری این عوامل در رویکرد مسکو به برنامه هسته‌ای ایران، به دیگر عوامل مؤثر نظیر دکترین هسته‌ای روسیه توجه کرد و علل تغییرات در رویکرد روسیه در این موضوع را در گذر زمان تبیین نمود.

در رابطه با تأثیر گفتمان‌های هویتی غالب در روسیه بر رویکرد این کشور به برنامه هسته‌ای تهران می‌توان مدعی شد، همان‌طور که در دوره غربگرایان عوامل اقتصادی زمینه آغاز همکاری با ایران شد و انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی کلان‌تر کاهش همکاری با ایران را در پی داشت، حاکم شدن گفتمان‌های اوراسیاگرایی و عمل‌گرایی در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و دوران پوتین باعث اتخاذ رویکردی پیچیده و چندوجهی در قبال موضوع هسته‌ای ایران متأثر از عوامل اقتصادی، بین‌المللی، ملاحظات هسته‌ای و جایگاه منطقه‌ای و جهانی روسیه شد؛ به‌طوری که رفتارهای روسیه در همکاری هسته‌ای با ایران و یا همراهی با غرب در اعمال تحریم علیه ایران را باید در قالب مؤلفه‌هایی نظیر کسب درآمد ارزی، مدیریت روابط با غرب، دکترین هسته‌ای روسیه و تأکید بر «ان. پی. تی.»<sup>۱</sup>، نگرانی از ظهور یک رقیب منطقه‌ای، نگرانی از اقدام یکجانبه امریکا علیه ایران، نگرانی از تسلیم شدن ایران در برابر فشارهای غرب و قطع همکاری هسته‌ای با روسیه تحلیل کرد تا از تقلیل‌گرایی در فهم موضوع اجتناب شود (مولایی و زرگری، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۱۵).

ذکر این نکته نیز قابل توجه است که دلیل اهمیت و تأثیرگذاری هر یک از این مؤلفه‌ها نیز به اصول و نقش‌های کلان سیاست خارجی روسیه برمی‌گردد که متأثر از گفتمان‌هایی نظیر غربگرایی و اوراسیاگرایی در کنار عمل‌گرایی در دوره‌های مختلف بر سیاست خارجی این کشور حاکم شده‌است و در اسناد سیاست خارجی این کشور نظیر «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه»<sup>۱</sup> در دوره‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته‌اند. مخالفت با یکجانبه‌گرایی و تعقیب چندجانبه‌گرایی، کوشش برای ایفای نقش قدرت بزرگ جهانی و ابرقدرت منطقه‌ای، حفظ جایگاه ابرقدرت هسته‌ای و مخالفت با گسترش تسلیحات هسته‌ای؛ از جمله مهم‌ترین اصول و نقش‌های مدنظر رهبران روسیه برای سیاست خارجی این کشور هستند ( The Ministry of Foreign Affairs of Russian Federation, 2016).

در این راستا، دلایلی نظیر پذیرش روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی در روند مذاکرات هسته‌ای، تقویت چندجانبه‌گرایی، کنترل پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و رفع نگرانی‌های هسته‌ای و منطقه‌ای روسیه و مشروعیت‌بخشی به همکاری‌های هسته‌ای روسیه با ایران، به‌عنوان یک محرک اقتصادی؛ از جمله عوامل شکل‌دهنده به رویکرد روسیه در پذیرش «توافق هسته‌ای» و همکاری با ایران در روند اجرای آن محسوب می‌شوند که در چارچوب نقش‌های سیاست خارجی این کشور ملهم از گفتمان اوراسیاگرایی و عمل‌گرایی قرار دارند. مواضع مسکو در دوران اجرایی شدن برجام در قبال این موضوع نیز متأثر از همین فرض و رویکرد قرار دارد؛ به‌طوری که طی دوران اجرایی شدن برجام، مسکو همواره بر ضرورت حفظ و اجرای این توافق هسته‌ای تأکید داشته و حتی نقض این توافق و و عدم تعهد به آن را خطر بزرگی معرفی کرده است ( International Crisis Group, 2017).

۱- Concept of the Foreign Policy of the Russian Federation



## جمع‌بندی

چنانکه در این نوشتار بیان شد، هرچند انگیزه‌های اقتصادی در آغاز دهه ۱۹۹۰ عامل مؤثر همکاری هسته‌ای روسیه با ایران در ساخت نیروگاه بود؛ اما پس از چند سال و متأثر از دیگر عوامل از سطح همکاری‌های روسیه با ایران کاسته شد؛ عوامل بین‌المللی و کنشگران ثالث نیز همواره تأثیر یکسان و مداومی در شکل‌دهی به رویکرد روسیه در این موضوع نداشته‌اند. همچنین، این عوامل دارای تأثیرات مثبت و منفی در رویکرد روسیه به موضوع هسته‌ای ایران در گذر زمان بوده و در همه دوره‌ها نیز روسیه اولویت‌های کشورهای ثالث را اعمال نکرده است. لذا می‌توان بیان داشت عوامل اقتصادی و بین‌المللی نه تنها عوامل مؤثر در شکل‌دهی به رویکرد روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران نبوده و در همه دوره‌ها از جمله ادوار نهایی مذاکرات و کسب توافق هسته‌ای تأثیرگذاری یکسانی نداشته‌اند؛ بلکه تأثیرگذاری آنها همسو با مؤلفه‌های دیگر دچار نوسان شده است و خود معلول عوامل دیگری در چارچوب کلان سیاست خارجی روسیه بوده‌اند؛ به طوری که برای درک و فهم رویکرد مسکو در قبال موضوع هسته‌ای ایران، این موضوع را باید در قالب چارچوب کلان سیاست خارجی روسیه و نقش‌های مدنظر رهبران این کشور و جایگاه ایران در رابطه با این نقش‌ها ارزیابی کرد. نکته شایان توجه این مسأله است که نقش‌های سیاست خارجی روسیه نیز متأثر از نوع گفتمان‌های هویتی غالب در این کشور تبیین و منافع این کشور را در قبال موضوع‌هایی مانند برنامه هسته‌ای ایران تعریف کرده‌اند.

با گسترش نفوذ اوراسیاگرایی از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و همراهی عمل‌گرایی با آن، نقش‌هایی مانند قدرت بزرگ جهانی در کنار سایر قدرت‌ها، ابرقدرت منطقه‌ای و حفظ هژمونی در خارج نزدیک و ابرقدرت هسته‌ای برای سیاست خارجی روسیه تعریف شده‌اند. با توجه به چنین نقش‌هایی و درنظر داشتن انگیزه‌ها و منافع روسیه می‌توان بیان داشت

عوامل اقتصادی و کسب درآمد ارزی، کوشش برای ایفای نقش قدرت بزرگ جهانی در موضوع هسته‌ای ایران به‌عنوان یک اختلاف بین‌المللی، کنترل افزایش احتمالی یا کاهش شدید قدرت و ثبات ایران در چارچوب رویکرد منطقه‌ای، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران در قالب دکترین منع اشاعه هسته‌ای روسیه و فشارهای دیگر بازیگران و کوشش مسکو برای مدیریت روابط با غرب در کنار هم و در برهه‌های زمانی مختلف روند برنامه هسته‌ای ایران، مجموعه عواملی هستند که به رفتارها و رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ایران شکل داده‌اند و تاکید صرف بر یکی از این عوامل به تقلیل‌گرایی و نادیده‌انگاشتن ابعاد دیگر سیاست خارجی روسیه منجر خواهد شد؛ همچنانکه در تبیین مواضع مسکو در قبال توافق هسته‌ای و رویکرد کنونی آن در همراهی با اجرای برجام نیز باید به عوامل مختلف نظیر انگیزه کسب درآمد ارزی، تقویت چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی، کوشش برای منع اشاره تسلیحات هسته‌ای و تعدیل فشارهایی نظیر احتمال حمله نظامی علیه ایران و بی‌ثباتی احتمالی در مرزهای جنوبی روسیه اشاره داشت.

## منابع

- برچیل، اسکات و دیگران. (۱۳۹۱). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی، تهران: انتشارات میزان.
- پریماکوف، یوگنی. (۱۳۹۱). *دنیا بدون روسیه؟*، مترجم: مؤسسه مطالعات ایران و روسیه (ایراس)، تهران: مؤسسه مطالعات ایران و روسیه (ایراس).

تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../ ۲۱۹

جعفری، علی اکبر و رؤیا میرجلالی. (۱۳۸۹). «مؤلفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری هسته‌ای با ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، ش ۵۱، صص ۱۵۵-۱۸۰.

زرگری، هادی. (۱۳۸۷). «رژیم حقوقی دریای مازندران و آثار آن بر امنیت ایران»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۵۸-۲۵۷، صص ۷۴-۸۳.  
سجادپور، سیدمحمد کاظم. (۱۳۸۷). «عنصر بین‌المللی در روابط ایران و روسیه»، در: روابط ایران و روسیه، مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، تهران: ایراس، صص ۱۷۲-۱۸۴.

سنایی، مهدی. (۱۳۸۷). «روابط ایران و روسیه: مشکلات و دورنمای پیش‌رو»، در: روابط ایران و روسیه، مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، تهران: ایراس، صص ۹-۲۵.  
شجاع، مرتضی و دیگران. (۱۳۹۲). سیاست روسیه در دریای خزر در دوره اوراسیاگرایان، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.  
شوری، محمود. (۱۳۸۸). ایران و روسیه؛ واکاوی گفتمان‌ها و نقش غرب، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.  
عسگریان، حسین. (۱۳۹۴). چشم‌انداز روابط ایران و روسیه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۸). روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۹). «روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ششم، صص ۱۱۱-۱۳۶.

کولایی، الهه. (۱۳۸۴). «ایران و روسیه؛ فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌ها»، در: کتاب امنیت بین‌الملل ب (۲)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). «روابط ایران و روسیه، تداوم و تغییر»، ایراس، سال اول، شماره اول، صص ۷۱-۸۵.

کولایی، الهه و محمد سلطانی‌نژاد. (۱۳۹۳). «مذاکرات هسته‌ای و منازعه ایران و امریکا؛ کنکاشی در نظریه بلوغ منازعه»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره چهارم، صص ۹۷-۱۲۵.

کولایی، الهه. (۱۳۹۳). «مذاکرات هسته‌ای، خزر و ... در گفتگوی ایسنا با الهه کولایی»، <http://www.isna.ir/news/93070603516> / ایسنا، ۱۳۹۳/۷/۷، قابل دسترس در:

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). «دلایل حضور روسیه در سوریه / روسیه ایران را رقیب خود می‌داند»، خبرآنلاین، ۱۳۹۴/۰۷/۱۳، قابل دسترس در:

<http://www.khabaronline.ir/detail/464461/World/central-asia-caucuses> (۱۳۹۵). «ریشه‌ها و پیامدهای دگرگونی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه»،

دوماهنامه چشم‌انداز ایران، ش ۹۸، تیر و مرداد ۱۳۹۵.

مامدوا، نینا. (۱۳۸۷). «مناسبات اقتصادی ایران و روسیه»، در: روابط ایران و روسیه، مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، تهران: ایراس، صص ۱۰۱-۱۱۲.

مجته‌زاده، پیروز و احمد رشیدی‌نژاد. (۱۳۹۰). «تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران (۲۰۰۰-۲۰۰۸)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱-۳۶.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۶). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

مولایی، یوسف و هادی زرگری. (۱۳۹۵). «روسیه و شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۹۴، صص ۱۰۳-۱۳۲.

تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۲۲۱

سازمان توسعه تجارت. (۱۳۹۵). منابع اطلاعات تجاری، روابط تجاری دوجانبه ج. ا.

ایران با فدراسیون روسیه، شهریور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در:

<http://farsi.tpo.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=5264&p=2&g=163&showitem=4>

English:

Aras, Bulent and Ozbay, Fatih (2008), "The Limits of the Russian-Iranian strategic alliance: its history and geopolitics, and the nuclear issue", The Korean Journal of Defense Analysis, Vol. 20, No.1, pp. 45-60

Belobrov, Yuri(2014), Iranian Nuclear Issue: Resolution Underway, <http://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/iranian-nuclear-issue-resolution-underway/>

Borozna, Angela (2008), "Russia's Friend- U.S.'s Enemy: Russia Foreign Policy toward Iran", presented at: The International Studies Association, March 2008

Giuli, Marco (2017), "Russia's nuclear energy diplomacy in Middle East", European Policy Center, [www.epc.eu/documents/uploads/pub\\_7455\\_russiasnuclearenergydiplomacy.pdf](http://www.epc.eu/documents/uploads/pub_7455_russiasnuclearenergydiplomacy.pdf), 21 Feb. 2017

International Crisis Group (2017), "Implementing the Iran Nuclear Deal: A Status Report", Report No. 173, <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iran/173-implementing-iran-nuclear-deal-status-report>, 16 Jan. 2017

Ivanov, I.S. and Others (2014), "Modern Russian- Iranian Relations: Challenges and opportunities", Russian International Affairs Council (RIAC), Working Paper, Moscow, pp. 1-65

Kolae, Elaheh (2008), "Iran and Russia", Conference on Russia and Islam, Edinburgh, pp. 1-12

Kozhanov, Nikolay (2012), "Russia's Relations with Iran: Dialogue without Commitments", the Washington Institute for Near East Policy, Policy Focus 120, June 2012, available at: [www.washingtoninstitute.org](http://www.washingtoninstitute.org)

Kozhanov, Nikolay (2015), "Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations", Carnegie Moscow Center, at: [www.carnegieendowment.org/files/cp\\_kozhanov-web-eng.pdf](http://www.carnegieendowment.org/files/cp_kozhanov-web-eng.pdf), pp. 1-22

Mamedova, Nina (2016), "Are Russia and Iran Allies", Russia Insider, at: [www.russia-insider.com/en/politics/are-russia-and-iran-allies/ri14179](http://www.russia-insider.com/en/politics/are-russia-and-iran-allies/ri14179), May 3, 2016

- Omelicheva, Mariya (2012), “Russian Foreign Policy toward Iran: A Critical Geopolitics perspective”, *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 14(3), pp. 331-344
- Pieper, Moritz (2017), **Hegemony and Resistance Around the Iranian Nuclear Programme: Analysing Chinese, Russian and Turkish Foreign Policies**, London: Routledge
- Trenin, Dmitri and Alexey Malashenko (2010), *Iran: A View From Moscow*, Washington: Carnegie Endowment for International peace, pp. 1-44, at: [www.carnegieendowment.org](http://www.carnegieendowment.org)
- Zargari, Hadi (2016), “Iran’s foreign policy towards Russia”, International Conference on Islamic Studies in Modern Russia and the CIS: Achievements, Challenges and Prospect, The Academy of Sciences of the Republic of Tatarstan, Russia, Kazan Institute of Eurasian and International Studies, June 10-11
- The Ministry of Foreign Affairs of Russian Federation (2016), “Concept of the Foreign Policy of the Russian Federation”, [http://www.mid.ru/en/foreign\\_policy/official\\_documents/-/asset\\_publisher/CptICkB6BZ29/content/id/2542248](http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/-/asset_publisher/CptICkB6BZ29/content/id/2542248)
- Русский:
- Белоглазов, Альберт Владиславович (2016), “Интервью с Альбертом Белоглазовым”, преподавателем кафедры международных отношений и зарубежного регионоведения в Институте международных отношений, истории и востоковедия Казанского Федерального Университете, 22/06/2016
- Санаи М. (2007) Ирано-российские связи: проблемы и перспективы// Журнал «Россия в глобальной политике». №2, 2007. URL: [http://www.globalaffairs.ru/number/n\\_8390](http://www.globalaffairs.ru/number/n_8390)
- Гришин, Яков Яковлевич (2016), “Интервью с Яковом Гришиным”, преподавателем кафедры международных отношений и зарубежного регионоведения в Институте международных отношений, истории и востоковедия Казанского Федерального Университете, 20/06/2016
- Шкваря Л.В.(2014), Россия-Иран: развитие сотрудничества в условиях санкций, <http://uecs.ru/uecs71-712014/item/3174-2014-11-24-09-13-10>

تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر، بر.../۲۲۳

